

کسیا هوم

یادگار از فرهنگ ایرازمین

از دورترین ماضی تا به امروز



کورش قاسمیان - اردشیر بهمدی

سرشناسه	:	قاسمیان، کوروش، ۱۳۵۸
عنوان قراردادی	:	اوستا، فارسی، برگزیده
عنوان و پدیدآور	:	گیاه هوم یادگاری از فرهنگ ایران زمین از دورترین زمان تا به امروز / کوروش قاسمیان، اردشیر بهمردی
مشخصات نشر	:	تهران: فروهر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۰۴ ص، مصور (رنگی)
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۰-۷۳-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیبا
موضوع	:	هوم
موضوع	:	زردشتی - ایران
موضوع	:	زردشتی - شعایر و مراسم مذهبی
شناسه افزوده	:	بهمردی، اردشیر، ۱۳۵۰
رده‌بندی کنگره	:	PIR ۱۶۱/ق۲ گ۹ ۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی	:	۸۱۴/۰۱
شماره کتابخانه ملی	:	۲۵۴۹۸۴۸

کتاب ماه مهوم

یادگار از فرهنگساز ایران زمین
از دورترین زمان تا به امروز

پژوهش

کوروش قاسمیان - موبد اردشیر بهمردی

۲۴ آسن تر
۲۴



۱۳۹۱



موسسه فرهنگی انتشاراتی

فَرَوَهَر

گیاه هوم

یادگاری از فرهنگ ایران زمین

از دورترین زمان تا به امروز

موبد اردشیر بهمردی

کوروش قاسمیان

korosh-gasemian@yahoo.com

آماده‌سازی پیش از چاپ (حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی): بهنام مبارکه

نگرش بر چاپ: بهنام مبارکه؛ لیتوگرافی: قاسملو

چاپ، صحافی، واژه؛ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۱۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۰-۷۳-۴

ISBN: 978-964-6320-73-4

بها: ۷۰۰۰ تومان

مرکزپخش:

خیابان انقلاب - خیابان فلسطین جنوبی، شماره ۲۶۱

کدپستی ۱۳۱۵۷۷۳۱۱۵ تلفن و نمابر: ۶۶۴۶۲۷۰۴

www.faravaharpublications.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این دفتر برای نشر فرزهر نگهداری شده است

تکثیر، انتشار، بازنویسی از این دفتر یا بخشی از آن به هر شیوه،

از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون

دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

فهرست

۷..... پیش‌گفتار

● بخش اول

۱۳..... خاستگاه هوم در منابع اوستایی و پهلوی

۱۵..... اولین کسانی که به راز گیاه هوم پی بردند

۱۸..... هوم در مراسم‌های ستایش‌آمیز

۱۹..... روش تهیه هوم و پراهوم:

۲۲..... موبدان برگزارکننده و وظایف آن‌ها:

۲۴..... وسایل مورد استفاده و کاربرد آن‌ها:

۲۶..... کسانی که حق خوردن نوشابه هوم را دارند

۲۸..... هوم در باورهای گذشتگان

۳۲..... هوم سپید

۳۳..... هوم عابد

۳۵..... هوم ایزد

۳۶..... هوم در گات‌ها:

۳۹..... سخن آخر

● بخش دوم

۴۵..... افدرا

۴۶..... ترکیبات شیمیایی:

۴۶..... خواص و کاربرد

۴۸..... سخن آخر

● بخش سوم

۵۱..... فرهنگ عامه

● بخش چهارم

۶۳..... ترجمه متن‌های اوستایی

۹۱..... سرچشمه‌ها (منابع)

۹۳..... نمایه

۹۷..... نگاره‌هایی از هوم

پیشکش به روان تابناک انوشه روان دستور بزرگ «دکتر
جهانگیر اشیدری» که همیشه با قلبی سرشار از عشق به
فرهنگ ایران سخن می‌گفت؛ و همواره آن را به
خواستارانش می‌آموزاند به یاد سخنان مانتره‌آمیزش که
عاشقانه می‌گفت:

«درست بیاموزید و درست بیاموزانید و همواره در پی
تحقیق و نوشتن باشید.»

امید آن را داریم که این نامه کوچک روان آن بزرگ‌مرد را
در سرای نور و سرود اهورامزدا خشنود سازد.
یادش در دل‌های گرم هر ایرانی گرامی باد و نامش در
یادها جاودان باد.
ایدون باد.

به اهورامزدا این هوم را پیشکش می‌کنیم.
آن هوم فراهم شده را به تواناترین
پیروزمند گیتی پرور، به شهریاران نیک پاک
به امشاسپندان هوم را پیشکش کنیم.
به آب‌های نیک هوم را پیشکش کنیم.
به روان خویش هوم را پیشکش کنیم.
به همه آفرینش پاک هوم را پیشکش کنیم.
(ویسپژد، کرده ۱۱ بند ۱)

پیش‌گفتار

در روزگاری که دو گروه نیاکان آریایی در کنار هم می‌زیستند در کتاب‌هایشان از شربتی نام برده‌اند که همراه با مراسم و تشریفات خاص تهیه و نوشیده می‌شد. اما در طول هزاره‌ها این سنت رو به فراموشی سپرده شد و تنها آثار اندکی از آن در بعضی از مراسم‌های زرتشتیان باقی مانده است.

اما به راستی هوم چیست و یا کیست؟

در بررسی اوستا می‌توان به چندین خصوصیت درباره هوم دست یافت، هوم به عنوان ایزد و پیام‌آوری توانا و یا هوم به عنوان انسانی پهلوان، دلیر، نیکوکار و نیرومند و مهم‌ترین بخش آن که عنوان این گزارش است، گیاه هوم می‌باشد.

ستایش گیاه هوم در اوستا و آوردن توصیف‌های زیبا و شاعرانه ظاهراً به سبب سودمندی‌های فراوان این گیاه است. هوم مظهر درمان‌بخشی، تندرستی و سبب نیرومندی و فراوانی است. سود حاصل از افشردن این گیاه همه کس و همه چیز را در بر می‌گیرد بر این پایه است که گیاه هوم یاری‌گر دلیران میدان نبرد است و آنان را نیرو می‌بخشد، آموزگاران دین و دین‌مردان راه راست را نیز کمک می‌کند و به آنها توانایی می‌دهد تا دانش خود را بیفزایند. او نیروی باروری و آسان‌زایی به زنان می‌بخشد و بدین‌سان کمک می‌کند تا فرزندان نیک و شایسته پرورانند. به دختران جوانی که در جستجوی شوهر هستند، همسرانی خوب و پرهیزگار می‌دهد.

گیاه هوم با اوصاف، نیک، خوب آفریده، راست آفریده، درمان بخش، نیک اندام، نیکوکار، پیروزگر، نرم شاخه، زرگون، بهترین آشامیدنی، بهترین خوراک برای روان، مزدا آفریده و گیتی افزا نیز توصیف شده است.

نوشیدن هوم سبب می شود که اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک و فرمان برداری پدید آید و افشرد آن در مراسم یزشن باید نوشیده شود و باقی گذاشته نشود (راشد محصل، ۱۳۶۴، ص ۷).

واژه «هئومه» اوستایی و یا «سومه» هندی و یا «هوم» فارسی میانه^۱ در بخش های مختلف اوستایی نو^۲ بارها آمده است. پیوستگی دو کلمه «هئومه» و «سومه» را ارتباط لفظی^۳ که در آیین های ستایش این دو وجود دارد، نشان می دهد و اگر تفاوت های جزئی میان پندارها و آیین های مربوط به هوم در میان این دو تیره دیده می شود، دگرگونی هایی است که در هر آیین مشترک دیگر هم دیده می شود. در اثر گذشت روزگاران و از بین رفتن کتاب ها، منابع زیادی در مورد گیاه هوم و مراسم آن در دسترس نیست.

بیشتر منابع ما را اوستا و سپس کتاب های بازمانده ی پهلوی تشکیل می دهند و قسمت مهمی که کمتر به آن توجه شده است ادبیات شفاهی این مرز و بوم است. در این گزارش سعی شده تا هوم از دیدگاه دینی، اسطوره ای، پزشکی و ادبیات شفاهی بررسی شود. اگر چه در این راه سختی های زیادی را متحمل شدیم اما به قول زنده یاد «پورداوود»:

«پس از دست یافتن تازیان به ایران و پیش آمدن گزندهای دیگر چون یورش مغول و تاخت و تاز تاتار، هیچ چیز آن چنان که بود به جای نماند. آن چه داشتیم از این آسیب های اهریمن رنگ و روی دیگری به خود گرفت و

۱ - دوره میانه: از سال ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح یعنی زمانی که داریوش سوم هخامنشی به قتل رسید تا سال ۸۶۷ م. برابر با ۲۵۶ هجری سالی که یعقوب لیث صفار به سلطنت رسید و زبان فارسی دری رسمیت یافت، دوره میانه زبان های ایرانی به شمار می رود، دوره ی پیش از آن دوره ی باستان و دوره ی پس از آن تا امروز را دوره ی جدید محسوب می شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱).

۲ - متن های اوستایی رابه دو دسته: الف) اوستای قدیم (گاهان)، ب) اوستای نو (جدید) تقسیم می کنند.
 ۳ - «هئومه» اوستایی و «سومه» هندی در واقع یک واژه ی واحدند که اختلاف واجی دو زبان، آن ها را به این شکل درآورده است (راشد محصل، ۱۳۶۴، ص ۳).

پراکنده و پرباشان گردید یا این که یک‌سره نابود شد. از میان این فروریختگی‌ها گذشتن و راهی به سوی آثار پیشینیان جستن و آن‌ها را به درستی بازشناختن و از فرهنگ و زندگی نیاکان نام و نشانی یافتن راهی است بس ناهموار و کاری است بس دشوار. اما از این سختی‌ها نباید هراسید و دست از دامن کوشش کشید، این کار هر چند پر رنج و فرآورده آن ناچیز باشد باز به آن می‌ارزد که در این روزگار روزنه‌ای از ایران باستان به روی فرزندان این مرز و بوم بگشاییم و راه و رسم نیاکان نامدارمان را بنماییم تا پی گم‌گشته خود روند و میراث مقدس پدران خویش جویند.» (بورداد، ۱۳۵۵، ص ۱۹)

اگر چه تعداد کمی از دانشمندان ایران‌دوست مقالاتی با این عنوان ارائه داده‌اند اما این نامه کوچک را خشت اولی بدانیم در راه شناخت گیاه هوم و مراسم آن که شاخه گلی است از گل‌های بی‌کران فرهنگ و تمدن و اندیشه‌های ایرانی.

با توجه به منابع اندک مسلماً این گزارش دارای کم و کاستی‌هایی است که از خوانندگان محترم پوزش می‌طلبیم و امیدواریم با پیشنهادهای سازنده خود ما را در بهبود هر چه بهتر این گزارش یاری دهند تا بتوانیم این نامه کوچک را به رسم امانت به دست فرزندان آینده این مرز و بوم بسپاریم تا آن‌ها نیز از میراث پدران‌شان آگاه باشند.

در زمان کنونی تألیف و چاپ کتاب به جزء با یاری دوستان میسر نمی‌شود لذا بدین وسیله از تمامی دوستان و آشنایان که به طور مستقیم و غیرمستقیم در به ثمر رساندن این نامه ما را یاری نموده‌اند نهایت سپاسگزاری را می‌نماییم.

با سپاس فراوان از بانوی فرزانه فیروزه ماوندی که نوشتن چنین کتابی را پیشنهاد دادند و با تمام گرفتاری‌های زمانه فیش‌های تهیه شده را گردآوری نموده و آن را نظم بخشیدند و همواره در این راه همدل و همراه ما بودند.

فزون‌تر، از تلاش و یاری بانوی گرامی «نخستین فرهادی» و فرزندشان خسرو پرخیده که نگاره‌ی روی جلد را مدیون ایشان می‌باشیم، سپاسگزاریم.

همچنین از بانوی گرامی فرنگیس کاویانی و همسرشان سهراب استواری که با وجود دوری از مام میهن پی‌گیر کارهای انجام شده بودند و مهر خویش را از ما دریغ نمودند و

برای به ثمر رسیدن این نامه ما را یاری فرمودند. هم‌چنین نهایت سپاسگزاری را از موبد
مهربان فیروزگری داریم که همواره ما را از راهنمایی‌های خود بهره‌مند نمودند
و تمام مردم نیک و مهمان‌نوازِ کشورمان که در گردآوری بخش فرهنگ عامه ما را
یاری نمودند.

بخش اول

- خاستگاه گیاه هوم در منابع اوستایی و پهلوی
- اولین کسانی که به راز گیاه هوم پی بردند
- هوم در مراسم‌های ستایش آمیز
- روش تهیه هوم و پراهوم
- موبدان برگزارکننده و وظایف آنها
- وسایل مورد استفاده و کاربرد آنها
- کسانی که حق خوردن نوشابه هوم را دارند
- هوم در باورهای گذشتگان
- هوم سپید
- هوم ایزد
- هوم درگات‌ها
- سخن آخر

خاستگاه هوم در منابع اوستایی و پهلوی

آن چه که از اوستا و کتاب‌های پهلوی و ریگ‌ودای هندوان برمی‌آید محل رویدن این گیاه در فراز کوه‌ها و کنار رودها می‌باشد.

در «یسنا»^۱ هات دهم بند هفدهم جایگاه هوم را چنین مشخص می‌سازد:
... درود به هوم مزدا، داده نیک (است) هوم مزدا داده، درود به هوم، همه
هوم‌ها را می‌ستایم چه آن که بر زیر کوه‌ها (و) چه آن که در دره رودها
(می‌روید)...

و یا در بند سوم همین هات چنین آمده:
ستایم ابرهای باران را که پیکر ترا بیالاند بر فراز کوه و ستایم آن قله
کوهی که تو در آن جا بروئیدی ای هوم...

در کتاب ریگ‌ودای^۲ هندوان محل روئیدن هوم یا همان سومای هندوان، نیز در
کوهستان‌ها است.

۱ - از لحاظ محتوا کتاب‌های زرتشتیان را به پنج بخش تقسیم می‌کنند که شامل یسنا، یشتها، وندیادا، ویسپژد و خُرده‌اوستا می‌باشد.

۲ - ودا *vēdā* در سنسکریت از ریشه *vid* به معنی «دانستن» است و خود به معنی «علم» هم آمده و آن مجموعه کتاب‌های مقدس هندوان قدیم و متعلق به دین برهمنان است و شامل چهار کتاب است: *vēda-rig*، *vēda-āśarva* و *vēda-yajur*، *vēda-śma*. هر ودا مجموعه‌ای است از سرودها که با اوزان مختلف و درباره خدایان متعدد ساخته شده ولی اساساً مربوط به فدیة، روشن کردن آتش مقدس است (L.xx) (معین، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

چنان چه از ماندالای^۱ پنجم سرود هشتادوپنجم بند دوم برمی آید جایگاه سوما را چنین می داند:

آن که هوا را به نوک درختان رسانید، و گاوان را شیر بخشیده، و اسبان را سرعت قوی عطا فرموده است، عقل را در دل ها نهاده است، و آتش را در آب ها، و سوریه را در آسمان ها و سوما را در کوهستان ها.

در کتاب یسنا هات دهم بند یازدهم صحبت از مرغی مقدس^۲ می شود که هوم را به جهات مختلف پراکنده می کند.

یسنا هات دهم بند یازدهم:

پس از آن که ترا مرغ مقدس، آزموده به جهات مختلف بپراکند، در میان تیغ های کوه های اپائیری سنن^۳ به سره کوه ستروسار^۴ به تهیگاه کوسوپت^۵ به پرتگاه ویش پت^۶ و به کوه سپیت گون^۷.

۱ - تقسیم بندی بخش های یسنا و ریگ ودا به نام «هات» و «ماندالی» می باشد. /م

۲ - به راستی مشخص نیست که منظور کدام مرغ است اما با توجه به بُدهش و متن های ودایی شاید بتوان این مرغ را شاهین در نظر گرفت. لازم به یادآوری است که شاهین در میان پرندگان، نزد ایرانیان پرنده ای بس مقدس به شمار می رفته است.

بنا بر نوشته های بندهش گیاه هوم سرور گیاهان است همان گونه که شاهین سرور پرندگان است. توجه داشته باشیم که سرور گیاهان را سرور پرندگان به جهات مختلف پراکنده می کند. این بند شباهت زیادی به نوشته های ریگ ودا دارد که در آن بوته های سوما (هوم) را شاهینی تیز پر، از دور به همراه می آورد.

۳ - این بند از قسمت های سخت اوستا است که در آن اسامی کوه هایی که بر آن گیاه هوم می روئیده، ضبط شده است گذشته از او پائیری سنن، از کوه های دیگر در هیچ جای اسمی نیست او پائیری سنن در فقره ۳ از امیادیشث نیز یاد شده است لفظاً یعنی «برتر از پرش شاهین» این اسم احتمالاً به مناسبت بلندی این کوه است یعنی کوهی که در بلندای، شاهین بلند پرواز هم بر فراز آن نتواند رسید (پورداد، یشت ها، ۱۳۷۷، ص ۳۲۶).

۴ - ستروسار یعنی «ستاره سر» کوهی است که در بلندی، سر به ستاره کشیده است و مشخص نیست که این کوه در کجاست.

۵ - کوسروپت kusero.pata به معنی «افتادن، پرتاب شدن» است.

۶ - ویش پت višpaṭha که به معنی «در همه جا، گرداگرد» است.

۷ - پیت گون که به معنی «کوه سپید است در میان این پنج کوه فقط از اپائیری سنن در فقرات اول زامیادیشث که در آنجا از پنجاه و سه کوه یاد شده اسم برده شده و در بندهش فصل دوازده که راجع است به کوه ها از کوه های دیگر بالا نامی نیست به جز اپائیری سنن.

در آرت یشت، مهریشت، سروش یشت و هادخت یشت نیز محل روییدن هوم را بلندترین قله کوه هرئیتی^۱ یا هربرز/هگر^۲ مشخص کرده است. در مهریشت بند هشتادوهشت چنین آمده است.

... هوم مقوی درمان بخش و فرمانده زیبا با چشم‌های زرد رنگ در بلندترین قله کوه هرئیتی که موسوم است به هگر از برای آن (مهر) بی‌آلایش آن (هوم) بی‌آلایش از برسم بی‌آلایش و از کلام بی‌آلایش (فدیه آورده)

ماند لای چهارم سرود بیست و ششم بند شش و هفت:

بند شش: با حمل ساقه‌های (بوته سوما) آن شاهین تیزپر، مرغی که آن (گیاه) سرور آور را از دور می‌آورد دوست خدایان (سوما) را محکم گرفت و می‌آورد سوما می که آن را از بالاترین آسمان‌ها برگرفته بود.

بند هفت: آن شاهین که سوما را برگرفت و بیاورد، ده هزار نذر با خود داشت...

در متون پهلوی از یک نوع هوم نام برده شده است، بنام «هوم سپید» که جایگاه آن در، دریای فراخکرت است، تمام بیماری‌ها را از بین می‌برد به انسان قدرت و توانایی، و در هنگام تن‌پسین به انسان‌ها جان می‌دهد، این گیاه با هوم بیان شده در متن‌ها متفاوت است که در جای خود از آن گفت‌وگو خواهیم کرد.

اولین کسانی که به راز گیاه هوم پی بردند

اولین اشخاصی که به راز گیاه هوم پی بردند بنا به نوشته‌های اوستا چهار نفر بودند که

۱ - کوه هرئیتی، یعنی کوه «هرا» و همین واژه است که در پهلوی هربرز و در فارسی البرز گوئیم در زامیادیش آمده که کوه هرا، تمام ممالک شرقی و غربی را احاطه کرده است و آن نخستین و شریف‌ترین کوه محسوب می‌شده است (اشیدری، ۱۳۸۶، ص ۴۸۸).

۲ - اسم بلندترین قله کوه هربرز (البرز) است. رود اردویسور آن‌ها را از بالای آن به بلندی هزار قدمی سرازیر گشته و به دریای فراخکرت می‌رسد (اشیدری، ۱۳۸۶، ص ۴۹۴).

در یسنا به آن‌ها اشاره شده است، به این چهار مرد که جزء نخستین فشارندگان هوم^۱ هستند فرزندان نام‌آور داده شد.

ویونگهان، جمشید را می‌یابد؛ آبتین (اثقیان) صاحب فریدون می‌شود؛ سیریت (ثریته) گرشاسپ را و پوروشسپ، زرتشت را (پایه‌گذاران تاریخ و فرهنگ ایران زمین) به پاداش می‌گیرد.

یسنا، هات نهم بند سوم:

بدو گفت زرتشت: نماز (درو) به هوم، که ترا نخستین بار، ای هوم، در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، کدام پاداش به او داده شد، چه نیک‌بختی به او رسید.

یسنا، هات نهم بند چهارم:

آن‌گاه به من پاسخ گفت این هوم پاک، دور دارنده‌ی مرگ: ویونگهان مرا نخستین بار در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت؛ این پاداش به او داده شد این نیک‌بختی به او رسید که او را پسری زائیده شد، آن جمشید دارنده رَمه خوب، خروهمندترین^۲ در میان مردمان زائیده شده و خورشیدسان نگران، کسی که در شهریاری خود جانور و مردم را نمردنی ساخت، آب (و) گیاه را نخشکیدنی، خوردنی را خورش نکاستنی^۳.

یسنا، هات نهم بند پنجم:

در (هنگام) شهریاری جم دلیر نه سرما بود نه گرما، نه پیری بود نه مرگ، نه رشک دیو آفریده، پدر و پسر، هر یک از آنان، به صورت ظاهر پانزده ساله^۴ می‌گردیدند در مدتی که جم دارنده رَمه خوب، پسر ویونگهان شهریاری می‌کرد.

یسنا، هات نهم بند ششم:

که تو را دیگر بار، ای هوم، در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، کدام پاداش به او داده شد، چه نیک‌بختی به او رسید؟

۱ - گیاه هوم را در هاون می‌سایند و شیره‌ی آن را از صافی‌ای که از موی گاو درست شده است می‌گذرانند و آن را با آب دعا خوانده شده مخلوط می‌کنند (آموزگار، ۱۳۸۱، ص ۳۲).

۲ - خُروه یا فزه، نیروی ایزدی است که هر شخص با انجام خویش‌کاری می‌تواند آن را به دست آورد. / م

۳ - خورش نکاستنی: احتمالاً منظور این است که هر چه غذا مصرف گردد از آن کم نمی‌گردد. / م

۴ - در فرهنگ باستان، سن آرمانی انسان پانزده سالگی بوده است. / م

یسنا، هات نهم بند هفتم:

آن گاه به من پاسخ گفت این هوم پاک دور دارنده‌ی مرگ: آبتین مرا دوم بار در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، این پاداش به او داده شد، این نیک بختی به او رسید که او را پسری زائیده شد، فریدون، از خاندان توانا.

یسنا، هات نهم بند هشتم:

کسی که زد (کُشت) ازدهاک سه پوزه، سه کله، شش چشم^۱ هزار چستی دارنده؛ دیو دروغ بسیار زورمند آسیب جهان (و) خبیث (دروند)، آن بسیار زورمندترین دروغی که اهریمن ساخت بر ضد خاکی جهان از برای مرگ جهان راستی.

یسنا، هات نهم بند نهم:

که تو را سومین بار، ای هوم، در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت و کدام پاداش به او داده شد، چه نیک بختی به او رسید؟

یسنا، هات نهم بند دهم:

آن گاه به من پاسخ گفت این هوم پاک، دور دارنده‌ی مرگ: ثریته، سود خواستارترین سام سوم بار مراد در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، این پاداش به او داده شد، این نیک بختی به او رسید که او را دو پسر زائیده شدند، ارواخشیه و گرشاسپ؛ آن اولی یک داور و قانون‌آرا؛ آن دیگری یک زبردست، جوان گیسو گرزور^۲.

یسنا، هات نهم بند یازدهم:

کسی که زد (کشت) اژی شاخدار را که اسب‌ها فرو می‌برد (می‌آوبارید = می‌بلعید)، مردها فرو می‌برد، آن زهرآلود زرد رنگ، از او زهر زردوش به بلندی یک نیزه روان بود که بر او گرشاسپ در (دیگ) آهنین در زمان نیمروز خوراک می‌پخت و این زیانکار را گرم شد و عرق (خوی) ریخت ناگهان او از زیر (دیگ) آهنین فراز آمد، آب جوشان را به

۱ - «اژدی دهاکه یا ضحاک، ازدهای سه سر، شش چشم، سه پوزه‌ی پُر گناه»، روشن‌ترین چهره‌ی دیوی اساطیری است. بدن او پر از چلباسه، کژدم و دیگر آفریدگانِ زیان‌کار است به طوری که اگر آن را بزدند، همه‌ی جهان از چنین آفریدگانی بر خواهد شد (هینلز، ۱۳۷۹، ص ۸۲).

۲ - کِرساسپه یا گرشاسپ قهرمان جوان گیسودارِ گرز به دست یکی از قهرمانانِ اژدهاکُشِ بزرگِ باستانی است که دارای افسانه‌های بسیاری می‌باشد.

پراکند، گرشاسپِ مردمِنش ترسان به کنار تاخت.

یسنا، هات نهم بند دوازدهم:

که تو را چهارمین بار، ای هوم، در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، کدام پاداش به او داده شد، چه نیک‌بختی به او رسید؟

یسنا، هات نهم بند سیزدهم:

آن‌گاه به من پاسخ گفت این هوم پاک، دور دارنده‌ی مرگ: پوروشسپ مرا چهارم بار در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت؛ این پاداش به او داده شد، این نیک‌بختی به او رسید که تو از برای او زائیده شدی، تو ای زرتشتِ پاک^۱ از خاندان پوروشسپ، ضد دیوها، و اهورا کیش^۲.

هوم در مراسم‌های ستایش آمیز^۳

آن چه که از ویسپرد کرده یازدهم بند یکم برمی‌آید چنین است که هوم از برای پیشکشی به اهورامزدا و شهریاران نیک و امشاسپندان^۴ است حتی از برای آب‌های نیک یا روان خویش و یا به طور کلی از برای تمام آفرینش است، و به احتمال زیاد در مراسم‌های نیایش آمیز از برای امشاسپندانی چون آش‌وهیشتا (آدیبهشت)، هئورتات (خرداد) و ایزدانی^۵ چون آرت، رام، گوش، دین (ایزد علم و دانایی)، مهر (ایزد نگهبان عهد

۱ - در گزیده‌های زاداسپرم و کتاب سوم دینکرد آمده است که فرَوَهَرِ آشو زرتشت در گیاه هوم قرار داشت (راشدمحصل، ۱۳۶۶، ص ۲۱).

۲ - منظور از «اهورایی کیش» احتمالاً همان دین مزده‌یسنی و یا زرتشتی است. / م در کتیبه نقش رستم، داریوش بزرگ از سگاهایی با نام «سگاهای هوم‌خوار» نام می‌برد که علاوه بر پارس بر آن‌ها حکمرانی کرد (شارپ، ۱۳۸۲، ص ۸۵).

۳ - میان «نیایش» و «ستایش» تا «پرستش» تفاوت وجود دارد. «پرستش» ویژه اهورامزداست و ستودن برای امشاسپندان و ایزدان؛ نیایش وسیله‌ای است از برای پرستش و ستودن (رضی، ۱۳۵۸، ص ۱۶).

۴ - امشاسپندان: «بی‌مرگان مقدس» فروزه‌های مشترک بین اهورامزدا و انسان هستند که به طور مطلق، نامتناهی و نامحدود در ذات اهورامزدا وجود دارد و انسان نیز با پرورش این فروزه‌ها می‌تواند به درجات عالی صعود کند. این فروزه‌ها شامل: (۱) اندیشه نیک، (۲) راستی، (۳) توانایی، (۴) مهرورزی، (۵) رسایی و (۶) بی‌مرگی می‌باشند (خنجری، ۱۳۸۰، ص ۳۸).

۵ - ایزدان با مفهوم «درخور ستایش» در درجه‌ی سوم اهمیت در دین زرتشتی قرار دارند. برخی از آن‌ها بازمانده‌ی

و پیمان) و یا برای طلب باران از تیشتر که همواره در نبرد با آپوش (دیو خشکسالی) است و یا در «ماه یشت» و «خورشید یشت»، یا آن که برای پُر آب بودن رودها و چشمه ساران همیشه جوشانی که از «آردویسور آناهیتا» پُر آبی آن را خواستار بودند در مراسم ها از این گیاه که با شیر آمیخته می شده، استفاده می کردند که به آن «پراهوم» نیز گویند.

یسنا، هات سوم بند سوم:

هوم را خواستار ستائیدم، از برای خوشنود ساختن آب های نیک و آب های نیک مزد داده، آب هوم را خواستار ستائیدم، شیر روان را خواستار ستائیدم، گیاه هَدانْتپتا^۱ را که از روی راستی گذاشته شده خواستار ستائیدم از برای خوشنود ساختن آب های مزد داده.^۲

آرت یشت بند هیجدهم:

برای فر و فروغش من او را، اردیبهشت را، زیباترین امشاسپند را، با نماز بلند (و) زور می ستایم. اردیبهشت زیباترین امشاسپند را با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با اندیشه و گفتار و کردار نیک با زور و با کلام بلیغ می ستایم، ینگه هاتا...
این بند در بسیاری از قسمت ها در یشت های متفاوت تکرار می شود با این تفاوت که بنا بر محتوای آن یشت مثل «تیریشت»، «آبان یشت» و... فقط نام آن تغییر می کند.^۳

روش تهیه هوم و پراهوم:

آن چه مسلم است روش تهیه هوم در گذشته کاملاً متفاوت با امروزه می باشد. در

خدايان باستانی، برخی دیگر با آیین های دینی، تعدادی با مفاهیم اخلاقی و انتزاعی، و تعدادی نماد پدیده های طبیعی هستند. / م

۱ - اسم گیاهی است و نیز به عنوان صفت آورده شده از برای آب زور (آب مقدس) که با فشرده هَدانْتپتا آمیخته شده باشد (اشبدری، ۱۳۷۸، ص ۴۸۸).

۲ - برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: یسنا، هات ۳ بند ۲؛ هات ۶ بند ۲۸ و هات ۶۶ بند ۱. / م

۳ - برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: زامیاد یشت بند ۱۳؛ آرت یشت بند ۳؛ بهرام یشت بند ۵؛ دین یشت بند ۵؛ مهریشت بند ۶؛ مهرنیایش بند ۱۵؛ گوش یشت بندهای ۶ و ۲۵؛ تیریشت بندهای ۳، ۱۵، ۱۷ و ۱۹، ماه یشت بند ۶؛ ماه نیایش بند ۸؛ خورشید یشت بند ۶؛ خورشید نیایش بند ۱۶؛ آبان یشت بندهای ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۶۳، ۱۰۴ و ۱۲۴؛ خرداد یشت بند ۱۰. / م

گذشته روش تهیه‌ی افشیره‌ی گیاه هوم بسیار مذهبی و مشکل بوده است. علت این اتفاق را شاید بتوان این چنین بیان کرد:

پایین آمدن اعتقادات مردم، کم شدن قدرت موبدان و هم چنین تغییر برداشت‌های موبدان نسبت به اجرای صحیح مراسم.

آن چه از کتاب‌های اوستایی و پهلوی و حتی فارسی متعلق به چندین دهه‌ی قبل می‌توان برداشت کرد، روش تهیه و مراسم آن به قرار زیر بوده است.^۱

الف) تطهیر:

پس از آن که شاخه‌های گیاه هوم را جدا کردند آنها را به «درِ مهر»^۲ می‌آوردند، روحانی متخصص شاخه‌ها را با آب می‌شوید و دعای: *خُشنَ اُترَ آهورَهه مزدا، اشم و هو* (*xšnaoθra ahurahe mazdā, ašm vohu*) «به خشنودی اهورامزدا، اشم و هو»^۳ را می‌خواند و سپس آن‌ها را در یک جعبه فلزی به مدت سیزده ماه و سیزده روز^۴ نگه‌داری می‌کند (فره‌وشی، ۱۳۷۸، ص ۵۱).

در کتاب آیین دین زرتشتی نوشته مهرگان موبد سیاوخش این تعداد روزها را سی و چهار روز می‌نامد و می‌گوید: «باید که هوم تا سی و چهار روز به آفتاب و مهتاب گذاشتن و بعد به کار بردن.» (سیاوخش، ۱۲۹۱ بزرگ‌دی، ص ۱۴۵).

ب) مقدمات تهیه‌ی هوم:

در اجرای مراسم دو موبد^۵ وظیفه‌ی انجام این کار را به عهده دارند در ابتدا یکی از آن‌ها شاخه‌های درخت آنار (*urvarā*) و شیر تازه (*jirām*) را آماده می‌سازد و سپس همه‌ی ظروف مقدس را خالی می‌کند و می‌شورد. آتش را در ظرف روشن می‌کند و چوب

۱ - البته لازم به یادآوری است که این مراسم در بین پارسیان هند کماکان با همان سنت قدیمی در حال اجرا شدن است.

۲ - «درِ مهر» همان آذریان یا آتشکده، مکان مقدس زرتشتیان است.

۳ - «اَشم و هو»، «یتا آهو» و «یَنگه‌ها تام» سه دعای معروف در دین زرتشتی می‌باشند.

۴ - بنا بر گفته‌ی موبد مهربان فیروزگری، این کار شاید به سبب خشک و تُرد شدن آن باشد تا در هنگام کوبیدن، مواد داخل آن به راحتی خارج گردد و شاخه‌های آن تُرد شده و به راحتی خُرد شوند.

۵ - این دو موبد «زوت» و «راسی» هستند که در بخش‌های بعدی توضیح داده شده است.

خوشبو (aēsm) و کُندر (bui) را بر روی سنگ مجاور قرار می‌دهد. دو ظرف آب یکی کوچک و دیگری بزرگ‌تر روی تخته سنگ قرار می‌گیرد و فنجان محتوای رشته‌های هوم نیز آماده و در کنار موبد قرار می‌گیرد. موبدی که باید مراسم را انجام دهد (زوت) به جای خود بر روی تخته سنگی می‌نشیند و آب داخل کوزه را پاو^۱ می‌نماید و سپس با آب آن، (آب زئوثره) همه‌ی ظروف را پاو می‌نماید.

پ) مراسم تطهیر ساقه‌های هوم:

موبد تعدادی از ساقه‌های گیاه هوم را از جام برمی‌دارد و آن‌ها را در میان انگشتان دست راست خود نگاه می‌دارد و آن‌ها را با آب پاو سه مرتبه می‌شوید و در هنگام این عمل سه مرتبه دعای:

خُشن اتر آهورَهه مزدا، اشم وهو (xšnaoθra ahurahe mazdā, ašəm vohu) «به خشنودی اهورامزدا، اشم وهو» را می‌خواند و سپس با واج (bāj)^۲ سرودی را زمزمه می‌کند. سپس چهار بار «اشم وهو» را می‌خواند و با هر دو دست ساقه‌های هوم را در ظرف سمت راست فرو می‌برد و به جهت مقابل آن اشاره می‌نماید (یعنی از سوی شمال به سوی جنوب) و به این ترتیب ساقه‌های هوم را تطهیر می‌کند، سپس هاون را به پیش خود کشیده و سه قطعه از ساقه‌های هوم را داخل آن می‌گذارد و بقیه را در کنار «ماهرو»^۳ قرار می‌دهد و یک قطعه از ساقه‌ی انار را در کنار آن قرار می‌دهد (فروه‌وشی، ۱۳۷۸، ص ۵۴).

ت) مراسم تهیه و کشیدن شیره‌ی هوم:

در این قسمت موبد با گفتن سرود «من می‌طلبم تمام قسمت‌های هوم را به خاطر اهورامزدا»، بعضی از لوازم را که در پیش رویش است و در روی پایه سنگی قرار دارد، را

۱ - پاو یا پادیاب مراسمی است که به طور تشریفاتی آب را مطهر می‌نماید. /م

۲ - «باج» یا «واج» از ریشه‌ی vač اوستایی است و در سنت زرتشتی به خواندن اوستا با صدای آهسته و به صورت نجوا گفته می‌شود. /م

۳ - هاون و ماهرو جزو وسایل مورد استفاده در تهیه‌ی هوم می‌باشد که در بخش‌های بعدی توضیح داده شده است. /م

بر می‌شمارد مانند هوم، برسم (myazd) آب تقدیس شده و غیره. در ادامه همراه با خواندن قسمت‌هایی از یسنا افشردهی گیاه هوم را با آب زور^۱ و شیر و فشرده‌ی ساقه‌ی هذائپدا^۲ مخلوط کرده و شربت پراهوم را تهیه می‌نمایند.

موبدان برگزارکننده و وظایف آن‌ها:

در ویسپرد از هفت پیشوا، سه گروه مردمان و چهار فرمانروای ایران کهن نام برده شده است. چنان که از نخستین پاره سومین گروه ویسپرد، پاره‌ی پنجم اوزیرن‌گاه،^۳ پاره ۵۷ و ۵۸ پنجمین فرگرد وندیداد و پاره ۱۵ «ویشتاسپ‌یشت»، پیداست. در ایران باستان از برای آیین دینی یا یزشنه،^۴ گذشته از زوت هفت پیشوای دینی در کار بوده‌اند:

زئوتَر (zaotra): بزرگ‌ترین پیشوای مزدیسنا است، وظیفه‌ی زوت چنان که از اسمش برمی‌آید تهیه‌ی نمودن زور یا آب مقدس می‌باشد. امروزه این اسم را به یکی از دو موبدی که برای یزشنه کردن و مراسم هوم به جای آوردن گماشته می‌شوند، می‌دهند و دیگری را «راسپی» می‌نامند.

هاوَنَن (hāvanan): در پهلوی «هاونان» بزرگ‌ترین پیشوایی بوده که به تهیه نمودن هوم گماشته می‌شده است؛ چنان که ملاحظه می‌شود در این کلمه «هاون» دیده می‌شود که یکی از آلات و ابزار مقدس پرستشگاه مزدیسنان است. گیاه هوم در هاون فشرده و شربت معروف هوم ساخته می‌شود. صدای هاون به منزله‌ی ناقوس کلیسا است که دین‌داران را پی ستایش می‌خواند. «هاونی» در اوستا، که آن را «هاون‌گاه» گویند یکی از اوقات پنج‌گانه‌ی شبانه‌روز است و آن زمانی است که در آن هوم تهیه می‌شود مدت آن را از برآمدن خورشید تا نیمروز قرار داده‌اند.

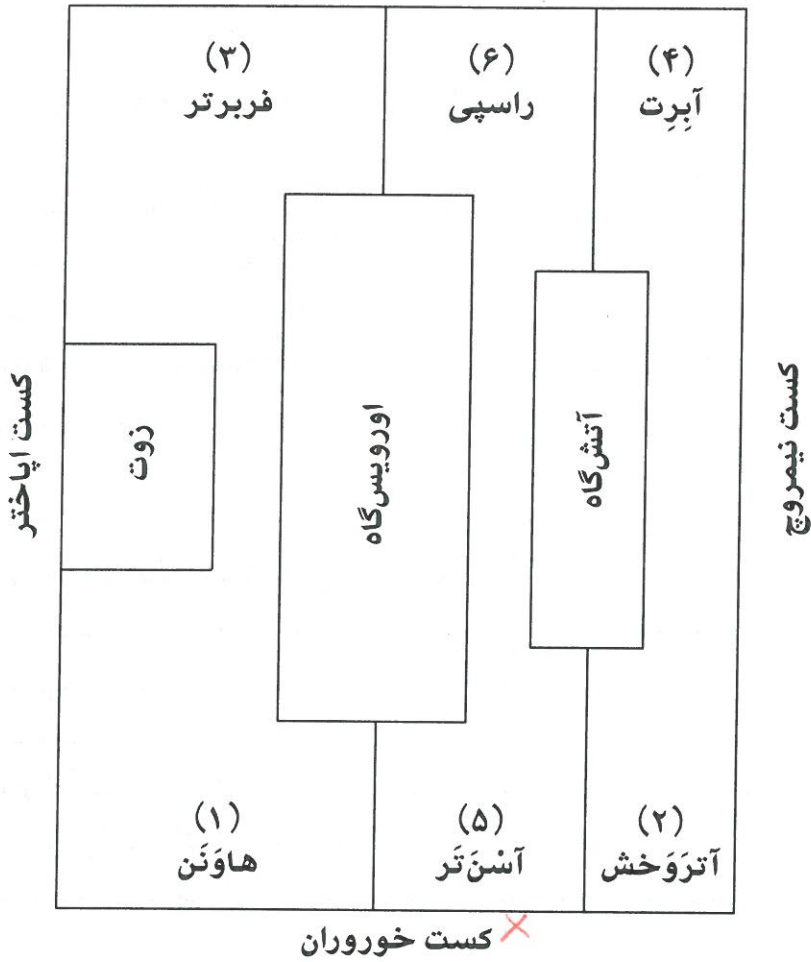
۱ - زور «قدیه و نیازی بوده که در مراسم دینی به کار می‌برده‌اند. در مراسم دینی چند قرص نان یک پیاله آب، فشرده‌ی گیاه هوم و شاخه‌ای زَر (انگور) و چیزهای دیگر بوده که موبدان بر آن دعا می‌خواندند، این آب در اوستا مرسوم است به «آب زئوتَر» که امروزه زور گویند یعنی نذر و نیاز (اشیدری، ۱۳۷۸، ص ۳۰۸)

۲ - هذائپدا اسم گیاهی است که در وندیداد همراه سه گیاه دیگر آمده است و بعضی‌ها آن را چوب انار می‌دانند (اشیدری، ۱۳۷۸، ص ۴۸۵).

۳ - اوزیرن‌گاه یکی از پنج‌گاه شبانه‌روز است که در خرده اوستا موجود می‌باشد. /م

۴ - یکی از مراسم‌های دینی زرتشتیان. /م

کست خوراسان



پلان جایگاه زوت و هفت موبد که در زمان برگزاری مراسم در آتشکده حضور دارند.

آتروخش (ātrəvaxš): در پهلوئی آتروخش پیشوایی بوده که خدمت آذر (آتش) مقدس می‌پرداخته است.

فربرتر (frabrətar): در پهلوئی فربرتار موظف بوده که آلات را در هنگام مراسم دینی زیر دست پیشوای بزرگ‌تر بگذارد.

آبِرت (ābərət): آبِرت در پهلوی چنان که از اسمش برمی آید، خدمت آب در زمان رسومات، به او محول بوده است.

آسن تَر (āsntar): آسن تَر شست و شوی آلات و کار تصفیه نمودن هوم با او بوده است.

رَتویش کَر (raēθviškara): در پهلوی «رثویشکر (راسپی)، نظر به معنی لفظی این کلمه، پیشوایی بوده است که کار مخلوط کردن هوم با شیر و غیره و تقسیم کردن آن با او بوده است.

سَرئوشاَوَرز (sraošāvarəz): در پهلوی «سروشاورز» هفتمین و کوچک ترین رتبه بوده است که وظیفه‌ی نظم و ترتیب پرستش‌گاه به او سپرده شده است (پورداوود، ۱۳۴۷، ص ۴۶۹).

وسایل مورد استفاده و کاربرد آن‌ها:

در مراسم‌های مذهبی از ابزار و آلات متفاوتی که هر کدام کاربرد مخصوصی دارند استفاده می‌شود. بیشترین کاربرد این وسایل در آیین تهیه‌ی شربت هوم می‌باشد و آن شامل قطعات زیر است:

۱. آتشدان^۱: آتشدان‌هایی از فلز برای نگاه‌داشتن آتش وجود دارند، آن‌ها را تا بالا از خاکستر پر می‌کنند و آتش مقدس را بر بالای آن قرار می‌دهند.
۲. بَرَسَم^۲: دسته‌ای از شاخه‌های گیاه است که تعداد این شاخه‌ها بنا بر مراسم مذهبی تغییر می‌کند.

۱ - امروز زرتشتیان علاوه بر نام آتشدان این ظرف را به نام «آفرینگان» نیز می‌خوانند. / م

۲ - بَرَسَم عبارت است از شاخه‌های بریده رستنی‌هایی مانند درخت انار، گز و هوم (اشیدری، ۱۳۷۱، ص ۱۶۲).

این کلمه در اوستا «بَرَسَمَن» آمده است و از کلمه «بَرَسَم» که به معنی بالیدن و نمو کردن می‌باشد و در سنسکریت «بَرَسَم» می‌باشد که عبارت از شاخه‌های بریده درختی که هر یک از آن‌ها را به فارسی «تای» و در پهلوی «تاک» گویند؛ در اوستا مشخص نگردیده که این شاخه‌ها از چه درختی باید باشد همین قدر در یسنای ۲۵ فقره ۳ آمده «اَرُوَرَم بَرَسَمِنِم (urvaram barəsənēm) به معنی «بَرَسَم درخت یا گیاه» که بَرَسَم باید از جنس گیاهان باشد. عدد بَرَسَم‌ها در مراسم‌ها فرق می‌کند در مراسم وندیداد و وِسپَرَد ۳۵ تای و در مراسم یسنا ۲۳ تای و در باج ۵ تای می‌باشد. کمترین عدد آن در نیرنگستان ۳ تای معین شده است (پورداوود، یشت‌ها، ج ۱، صص ۵۵۷-۵۵۶).

۳. برسم‌دان^۱: ظرفی که برسم را در آن می‌گذارند و شاخه‌ها را به آن تکیه می‌دهند.
۴. هاوَن: ظرفی فلزی یا سنگی که ساقه‌ی گیاه هوم را در آن می‌سایند. هم‌چنین از هاوَن به عنوان ظرف نگاه‌داری هوم نیز استفاده می‌گردد.
۵. دسته هاوَن: برای خُرد کردن شاخه‌های هوم از آن استفاده می‌شود.^۲
۶. حلقه: حلقه‌ای که به دور آن موهایی از دُم گاو (اسب) پیچیده شده است.^۳
۷. ظرف: برای نگاه‌داری آبی که از آن برای تطهیرها استفاده می‌شود.
۸. پرویزن: یا صافی با چندین سوراخ برای صاف کردن هوم.^۴
۹. نعلبکی: نعلبکی^۵ مخصوص برای قرار دادن اشیاء مختلف مربوط به مراسم مذهبی.
۱۰. فنجان: فنجان مخصوص نگاه‌داری شیر.
۱۱. کارد: برای چیدن برسم.
۱۲. قاشق: برای ریختن مواد معطر بر روی آتش.
۱۳. انبرک: برای جابه‌جایی آتش.
۱۴. نان درون^۶: نان‌های مخصوص مراسم.

۱ - نام دیگر برسم‌دان «ماهروی» می‌باشد. / م

۲ - در مراسم یزسن‌خوانی در پایانی سُرایش هر هات از یسنا، موئِد زوتر دسته هاوَن را چندین بار به دیواره هاوَن می‌کوبد؛ به نظر می‌رسد ارتباطی با آگاه کردن باشندگان دارد. / م

۳ - در مراسم تهیه‌ی شربت هوم در ایران این وسیله وجود ندارد، اما پارسیان هند از آن استفاده می‌نمایند، شاید سنتی هندی باشد که وارد فرهنگ زرتشتی شده است. / م

۴ - در مراسم تهیه‌ی شربت هوم در ایران این وسیله دارای سوراخ‌های کمتری است. / م

۵ - به این ظرف زرتشتیان «طاس روزین» می‌گویند. / م

۶ - کلمه «درون» (drōn) که در اوستا به صورت (draonah) آمده به معنی «نصیب و بهره، دارایی» است و اصطلاحاً به معنی سهمی گفته می‌شود که در طی مراسم دینی به منظور پیشکشی به کار برده می‌شود. استعمال امروزی (درون) قرص نان نازکی است که از خمیر بُر نیامده گندم درست می‌کنند. در مراسم یَسنه (yasna) همراه با این نان، کره که نماینده جهان حیوانی است دعا خوانده می‌شود [و از هات سوم تا هشتم بر آن می‌خوانند و اصطلاحاً آن را «درون‌یشت» می‌گویند] (آموزگار - تفضلی، ۱۳۸۰، ص ۹۳).

«درون»، نان مخصوصی است که هنگام اجرای مراسم مذهبی زرتشتیان سر سفره می‌گذارند (اشیدری، ۱۳۷۱، ص ۲۷۸). در نَز هندوها نیز در مراسم‌هایی که از «سوما» استفاده می‌کردند نان به کار می‌رفته است که قدمت این رسم شاید به قبل از جدایی ایرانیان از هندوها می‌رسد. / م

کسانی که حق خوردن نوشابه هوم را دارند (بنا بر اعتقادات گذشتگان)

متن‌های کهن اشاره به کسانی دارد که دارای خصلت‌های پسندیده و نیکو هستند و پیرو آیین راستی می‌باشند و تنها این افراد می‌توانند از نوشابه‌ی هوم استفاده نمایند. به گفته حکیم توس:

که از راستی جان بد گوهران
گریزد چون گردن ز بار گران
در «مهریشت» بند ۱۲۰ مشخص شده است چه کسانی می‌توانند از نوشابه هوم استفاده کنند.

«مهر حامی و پشتیبان همه مزدیسنا پاک‌دین است هوم نثار شده و نذر شده را باید زوت تقدیم نموده، نیاز کند مرد پاک می‌تواند از زوری که از روی دستور تهیه شده استفاده کند (بنوشد) و آن چه سازد که مهر دارای دشت‌های فراخ کسی که او ستایشش را به جای می‌آورد و خشنود و آسوده خاطر شود.»

ماندلا‌ی هشتم سرود ۳۱ بند ۲:

«ایندره آن کس را که به او نان مقدس تقدیم می‌کند و سومای آمیخته به شیر پیشکش می‌نماید، از گناه حفظ می‌فرماید.»

همان طور که می‌دانیم آیین میترائیسم در آیین مسیحیت تأثیر به‌سزایی داشته است که شرح مختصری از آن را در زیر به نقل از استاد پورداوود می‌آوریم:

«در آیین زرتشتی موبدان نان و آب را تقدیس نموده با هوم آمیخته در وقت مراسم مذهبی می‌خورند. این رسم قدیم ایرانی نیز با مهر به اروپا رفته ولی چون گیاه هوم در اروپا نبوده که از فشرده آن شربت مخصوص ساخته شود از این جهت به جای آن عصاره شاخه‌های تر و تازه درخت رز را استعمال می‌کرده‌اند و چند قرص نان و یک پیاله آب هم در وقت مراسم حاضر بوده که پیشوایان بر آن دعا می‌خوانده‌اند تدریجاً عصاره شاخه‌های رز به فشرده انگور یعنی شراب مبدل شده است. هنوز هم در دین زرتشتی معمول است و در مراسم دینی با آب و نان مقدس مذکور به کار برده می‌شود این آب در اوستا موسوم است به «ژاوتر» *zaoθra* که امروزه، «ژور» گویند و چند قرص نانی که در آیین مهر به کار می‌رفته چنان که حالا نزد زرتشتیان معمول است چهار یا شش عدد بوده است در اوستا «درون» *draōn* آمده است و اینک «درون» گویند تمام این رسومات از مهر به مسیحیت انتقال یافته که هنوز هم در دین عیسی معمول است. آب ژور به اسم آب مقدس یا ماء‌العماد یکی از شاهکارهای کلیساست و همچنین در مذهب عیسی (*eukharistia*) که در عربی «افخارستیا» گویند عبارت است از شراب و نان که آن را خون و گوشت و روان مسیح پنداشته در مراسم استعمال می‌کنند همان هوم درون مهر است که فقط اسمش تغییر یافته است (پورداوود، ۱۳۷۷، ج ۱ ص ۴۱۸)»

کسانی که چنین شرایطی را دارند و مراسم هوم به جای آورند، آن خاندان از گله و رمه و فرزندان پارسا بهره‌مند می‌گردند.

ویسپرد کرده ۱۲ بند ۱:

به کسی که هوم پالاییده و کسی که خواهد پالایید از برای زد بزرگوار
اهورامزدای پاک و زرتشت سپیتمان، دارای چارپایان بسیار و مردان
(رسد).

و کسانی که ناپاک هستند و به دور از وهومن، شیره هوم را بخورند هوم به آنها نفرین کند که بی‌فرزند شوند و در آن خانه، ارتشتار و کشاورز زاده نخواهد شد که اینان خود نگهدارنده ستون‌های هر سرزمینی هستند و در عوض کسانی زاده می‌شوند که تباه‌کننده آفرینش اورمزد هستند. و کسانی که شیره هوم را به چنین اشخاصی بدهند گناهش کمتر از کسانی نیست که به شهرهای مزدیسنا تاخته و مردمان را از دم تیغ بگذارند.

یسنا هات ۱۱ بند ۳:

هوم بخورنده نفرین کند: که بی‌فرزند شوی و به بدنامی دچار گردی تو
ای کسی که مرا وقتی در هم فشرده شده‌ام نگاه می‌داری. به هیچ وجه
نیستم محکوم به مرگ منی که هوم دور دارنده مرگ هستم.

روایت پهلوی کرده ۲۶:

این نیز پیداست که گاو و اسب و ایزد هوم نفرین کند اگر ایشان را به بیدار نگهداری کنند... و ایزد هوم آن کس را نفرین کند که، تو را فرزند مباد و به بدنامی و دیگر بدی‌ها از آن تو باد اگر در یزشن (عبادت) مرا کار نفرمایی (مورد استفاده قرار ندهی) و سوری را که پدر هر مزد به من داد (اختصاص داد)، یعنی آرواره با زبان و چشم چپ همه گوسپندان و انواع گوسپند را یزشن نکنی. اما ای جوان کسی که آن سوری که پدر من هر مزد به من داد یزشن نکند و بخورد در خانه او موبد، ارتشتار و کشاورز زاده نشود و در خانه او مردی جادوسرشت فاسد و تباه‌کننده آفرینش اورمزد زاده شود و کارها را تباه کند و امور بسیاری که به عهده گیرد هیچ یک را به فرجام نیاورد.»

هوم در باورهای گذشتگان

یافتن شربتی که به انسان قدرت جاودانگی و سلامتی دهد جزو آرزوهای تمام نشدنی انسان است، نیرویی شگفت‌انگیز و قدرتی بی‌همتا که انسان را از مرگ رهایی می‌بخشد. «در آداب و رسوم رازآمیز آلوزین،^۱ آمبروزیا^۲ غذای افسانه‌ای خدایان است که بی‌مرگی می‌دهد و شهدی است که نوشابه‌ی (خدایان المپ)^۳ است و این وسیله‌ای شکست‌ناپذیر برای پی بردن به رازهای جهان دیگر بوده است. بانوشیدن این نوشابه‌ی مقدس روح به صورت اتوماتیک از بند تن رهایی می‌یافت» (فره‌وشی، ۱۳۷۸، ص ۶۰).

سومه‌ای که در هندوستان وجود داشت از گیاه نادری که در کوهستان می‌رویده است ساخته می‌شده و برهمنان واقف به عالم غیب آن را تیهه می‌کرده‌اند. این نوشابه هندی به آمبروزیای یونانی شباهت دارد و احتمالاً با آن یکی است.

در بسیاری از بندهای اوستا خواص درمان‌بخشی و تندرستی هوم را می‌توان مشاهده کرد. سود حاصل از افشره گیاه هوم همه کس و همه چیز را در بر می‌گیرد بر این پایه است که گیاه هوم یاریگر دلیران میدان نبرد است و آنان را نیرو می‌بخشد (بسنای ۹ بند ۲)، آموزگاران دین و دین‌مردان راه راست را نیز کمک می‌کند و به آن‌ها توانایی می‌دهد تا دانش خود را بیفزایند (بسنای ۹ بند ۲۱). او نیروی باروری و آسان‌زایی به زنان می‌بخشد و بدین‌سان کمک می‌کند تا فرزندان نیک و شایسته پروراند (بسنای ۹ بند ۲۳). به دختران جوانی که در جستجوی شوهر هستند، همسرانی خوب و پرهیزگار می‌دهد (بسنای ۹ بند ۲۲). گیاه هوم با اوصاف نیک، خوب آفریده، راست آفریده (بسنای ۹ بند ۱۶)؛ درمان‌بخش، (بسنای ۹ بند ۱۶، بسنای ۱۰ بند ۱۲، ۹)؛ نیک‌اندام، نیکوکار (بسنای ۹ بند ۱۶)؛ پیروزگر (بسنای ۹ بند ۲۵، بسنای ۱۰ بند ۹)؛ نرم شاخه، زرگون، بهترین آشامیدنی (بسنای ۹ بند ۱۶)؛ بهترین خوراک برای روان، مزدا آفریده (بسنای ۱۰ بند ۸، ۷)؛ گیتی‌افزا (بسنای ۴۲ بند ۵ بسنای ۱۰ بند ۲۱) نیز توصیف شده است.

نوشیدن هوم سبب می‌شود که اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک، فرمانبرداری،

۱ - Eleusinian mysteries

۲ - Ambrosian

۳ - خدایان یونان

پدید آید (یسنا، ۱۰ بند ۱۶) و افشره آن در مراسم یزشن باید نوشیده شود و باقی گذاشته نشود (یسنا، ۱۱ بند ۳) (راشد محصل، ۱۳۶۴، ص ۷).

بنابر تاریخ، در گذشته ایرانیان مردمان کینه‌ورزی نبودند و بر این باور بودند که استفاده از نوشابه هوم جلوی کینه‌توزی و خشم آن‌ها را می‌گیرد و حتی در مقابل بداندیشان از آن‌ها حمایت می‌کند.

یسنا، هات ۹ بند ۲۸:

بزهان از ما کین کین وران راه، بگردان منش خشمگین را و از هر مردی
که در این خانه، که در این ده، که در این شهر، که در این مملکت گناه ورزد بر
گیر از پاهایش زور، هوشش تیره ساز منشش در هم شکن (پریشان ساز)

یسنا، هات ۹ بند ۲۹:

بادو پا فرا نتواناد رفتن، بادوست کاری نتواناد ساختن، با چشمان زمین
مبیناد، با چشمان جانور مبیناد آن که به منش ما کین ورزد، آن که به پیکر ما
کین ورزد.

از آن جایی که این گیاه در زمان خود خاصیت‌های فراوانی را دارا بوده است نیاکانمان با آن اندیشه‌های پاک‌شان بر این باور بوده‌اند که ستایش و یا کمترین خورش این گیاه برای کشتن هزار دیو کافی است.^۱

یسنا هات ۱۰ بند ۶:

(زوت) هوم برفزاید (اگر) بستایندش، هم چنین مردی که او را بستاید
پیروزگر بود نیز کمترین ستایش هوم نیز کمترین خورش هوم بس است از
برای کشتن هزار دیو.

۱ - در اندیشه‌های گذشتگان، بیماری، آلودگی و انسان‌های نابودگر و مردم بداندیش را آفریده اهریمن و دیو می‌خواندند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به آموزگار، ص ۳۷

کسی کو ندارد ز یزدان سپاس
ز دیوان شُمر مشمرش ز آدمی
«فردوسی»

تو مر دیو را مردم بد شناس
هر آن کو گذشت از ره مردمی

در کتاب مینوی خِرد، آن گاه که دانا، پنجاه و ششمین پرسش خود را از «مینو» می‌کند در بند بیست و هشتم هوم را یکی از نابودکننده‌های دیوان، جادوان و... می‌داند. که چنین آمده: «نابود می‌کنم تو را و کالبد شما دیوان و دروجان و جادوگران و پریان را با هوم و برسم و با دین راستی به (= بهدین) که آفریدگار اورمزد به من آموخت. ششمین بخشایشی که از هوم درخواست می‌شود، این است که نخست انسان‌ها را از دزد، راهزن و گرگ که صفت‌های انسان‌های پلید و بدمنش است، آگاه سازد. یسنا هات ۹ بند ۲۱:

این ششمین بخشایش را از تو، ای هوم دور دارنده مرگ خواهش می‌کنم: که ما نخست از دزد، نخست از راهزن، نخست از گرگ‌بوی^۱ بریم که هیچ‌کس پیش از ما بوی نبرد که ما همیشه از پیش بوی بریم.

در کتاب پهلوی صد در نثر که دارای نکات اخلاقی پندآموز است که به صد بخش تقسیم شده و هر بخش آن را «یک در» گویند، در بیست و چهارم آن در مورد هوم است که به انسان‌ها خرد و دانش می‌رساند و آن را از گزند ناخوشی به دور نگه می‌دارد در مورد هوم چنین آمده است:

این که چون کودک از مادر زاید باید به او پراهوم که به آن یسنا خوانده شده باشد، بدهند از بهر آن که خرد و دانش بیشتری به وی رسد و بلا و ناخوشی کمتر بیند و اگر پراهوم یسنا خوانده شده در دسترس نباشد اندکی هوم بگیرند و به آن یتاآهووتیر یو بخوانند و کمی در وی بریزند و آن را پراهوم کنند و به کودک خوراندند پس از آن به وی شیر دهند.

این عقاید در اندیشه‌های هندوان نیز مشاهده می‌شود.

ماندالای اول - سرود ۵ بند ۷:

(این‌درا)ی مورد ستایش، باشد که این شیرهای نافذ سوما در (وجد) تو وارد شود و موجب افزایش هوش سرشار تو گردد.

۱ - «بوی» در متن اوستایی «بئودَ» (baōda) به معنی بوییدن است مانند لغت «بوی بردن» فارسی، به معنی «آگاه شدن و دریافتن» می‌باشد (پورداود، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵).

در یشت چهارم یعنی «بهرام‌یشت» که در بزرگداشت ایزد بزرگ پیروزی و رزم‌آوری سرود شده، هوم در نزد جنگ‌آوران و پهلوانان چنان نقش بر بسته که گویی این گیاه با تمام طبقات اجتماعی ایران پیوندی ناگسستنی دارد و بنا بر نوشته‌های «بهرام‌یشت» هر کس یک شاخه از این گیاه را به همراه داشته باشد در جنگ به اسارت دشمن در نخواهد افتاد که بند ۵۷ از این یشت گواه بر این ادعاست:

بهرام اهورا آفریده را می‌ستاییم هوم از زوال رهاکننده را در بر می‌گیریم
 هوم پیروزمند را در بر می‌گیریم نگهبان خوب را در بر می‌گیریم نگهدار تن را
 در بر می‌گیرم کسی که یک شاخه هوم با خود نگهدارد در جنگ از اسارت
 دشمن ب‌زهد.

ماندلای سوم - سرود ۶۲ بند ۱۵:

باشد که سوما نیروی حیات ما را تقویت کند و دشمنان ما را مغلوب
 سازد، در انجمن ما بنشیند.

احتمالاً در زمان زرتشت مراسم قربانی به همراه نوشیدن شربت هوم از رسومات
 زمانه بوده است آن چه از ظواهر امر برمی‌آید زرتشت این مراسم را محدود و شاید
 حذف کرده است.

نکته این جاست: در گاهان که گفته‌های خود زرتشت می‌باشد صحبتی از هوم به میان
 نیامده است و فقط از صفاتی نام برده است که بعضی از محققان آن را به هوم نسبت
 می‌دهند و آن را دلیل بر منع استفاده از گیاه هوم دانسته‌اند.

واقعیت هر چه باشد در سال‌های بعد از زرتشت این مراسم به صورت تحلیل رفته
 وارد مراسم دینی گردید به طوری که کم کم به صورت جز جدانشدنی آداب و رسوم
 زرتشتی درآمد و همان‌گونه که مشاهده نمودید در اوستای متأخر خود را به صورت
 شربت نیروزا و شفادهنده نشان داده است.

امروزه از گیاه «افدرا» با نام هوم نام می‌برند و همان‌طور که در بخش دوم این کتاب
 مشاهده خواهید کرد، مصرف اندازه و به جای شربت این گیاه تا اندازه‌ای برای انسان
 درمان‌بخش است.

هوم سپید

هوم سپید درختی است جدا از گیاه هوم، گیاه هوم بر فراز کوه‌ها می‌روید اما درخت هوم سپید در وسط دریای فراخکرت^۱ می‌باشد. بنا بر بُندَه‌ش هوم سپید نمادی از آسمان روز است. هوم سپید، نام درختی است افسانه‌ای که دشمن پیری و زنده کننده مردگان و بی‌مرگ سازنده‌ی زندگان است. در کتاب مینوی خرد پاسخ شماره ۶۱ چنین آمده است: «هوم مرتب‌کننده مردگان در، دریای وُرگش^۲ در ژرف‌ترین جای رسته است...» بنا بر گفته بندهش و گزیده‌های زاداسپرم این درخت در کنار درخت همه تخمه (ویسپویش = درمان‌بخش همگان) در دریای فراخکرد آفریده شده است. در بندهش این درخت با «گوگرن» یکی دانسته شده است:

هوم سپید درمان‌بخش در کنار رود اردویسیور آنهایتا رُسته است هر که آن را بخورد بی‌مرگ می‌شود و آن را گوگرن درخت خوانند چنین گوید که هوم دور دارنده‌ی مرگ به هنگام فرشکرد انوشگی، از او آرآیند.

در «هرمزدیشت» بند ۳۰ و «هفتن‌یشتِ کوچک» بند ۳ گوگرن نیرومند و توانای مردا آفریده شده، مورد ستایش قرار گرفته است.

اهریمن به دشمنی با او، در آن ژرف آب، وزغی آفریده است که آن هوم را از میان برد. بازداشتن آن وزغ را هرمزد دو ماهی کر^۳ (kar mahi) آن جا

۱ - فراخکرت یا فراخکرد نام دیگر وروکش است (اشیدری، ۱۳۸۶، ص ۳۶۲).

۲ - وروکش، در کتاب‌های پهلوی بیشتر به دریای فراخکرد معروف است و آن دریایی است در ناحیه جنوب در کناره البرز و یک سوم زمین را در بر می‌گیرد (زاداسپرم، فصل سوم، بند ۱۹ و یا بندهش، ص ۸۱ س ۱۱).

۳ - در کتاب ژند وهومن یسن در مورد گرمای چنین آمده است:

«پیداست که هر شب اهریمن به دیوان درآید که: اندر جهان روید و نخست به دریا شوید و دریا را بخشکانید و به هوم سپید شوید و همه را بخشکانید چه چون مردمان در گذرند بدان زنده کنند... آن دیوان و دروجان به دریا شوند، سین مرغ بانگ کند و سست بباشند، به هوم سپید شوند و آن جا گرمای سر از آب برآرد و سست بباشند...» (هدایت، ۱۳۱۲، صص ۷۱-۷۰)

در کتاب روایت داراب هرمزدیار در روایتی از شاهپور بروچی آمده است که مشابه داستان هوم و گرمای است که در بندهش آمده است فقط به جای گرمای از خر سه پا نام برده شده است که چنین آمده است:

دیگر آن که دادار اورمزد در میان زره وروکش در دریا درختی آفریده است و از بهر نگهداشتن آن درخت خرمای آفریده است و آن خرمای چندان بزرگ است که مثل او ماهی نیست و آن ماهی مانند خر است

بیافریده که پیرامون هوم همواره می‌گردند یکی از آن ماهیان را همیشه سر به سوی آن وزغ است. هم ایشان، ماهیان مینو خورشت‌اند که ایشان را خورش نباشد تا فرشکرد به نبرد ایستند.

هوم سپید ایرانیان یادآور درخت قوم بنی اسرائیل است که در تورات از آن یاد شده و گفته شده: «خداوند همه گونه درخت‌های خوش‌نما و خوش‌خوراک از زمین برویاند و درخت زندگانی را در میان باغ بهشت هم چنان درخت شناسایی نیک و بد را و از عدن رودی برای سیراب کردن باغ روان گردید و از آن به چهار شعبه اقسام یافت... (تورات سفر بیدایش باب دوم فقرات ۹ و ۱۰)

در افسانه‌های جوامع قدیم برای برخی گیاهان کرامتی از جمله جان‌بخشی و غیره قائل شده‌اند. در هند شمالی هنوز برخی از درختان را مقدس می‌دانند. قبایل توهو، قره‌قیز و مردم ایران و بسیاری از کشورهای متمدن دیگر بعضی از درختان را صاحب قدرت می‌شمارند و زنان برای آن که بارور گردند به آن‌ها توسل می‌جویند. در ژاپن از این گونه افسانه‌های زیاد یافت می‌شود.

پهلوانی بنام «ستار» در آستانه مرگ است. پارسایی به یاری وی می‌شتابد و به وسیله دُر‌نایی او را از اقیانوس گذرانده و به درختان جان‌بخش می‌رساند. در چین نیز سخن از درختانی است که هزاران پا ارتفاع دارند و درناها مظهر یا روح آنان‌اند. این درختان به آدمیان تندرستی و نیرومندی و طول عمر و ابدیت می‌بخشند» (مصطفوی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۳).

هوم عابد

در فقرات ۱۷ و ۱۸ از «گئوش‌یشت» یا «درواسپ‌یشت» از مردی پارسا نام برده شده

→ نام او از آن خرماهی می‌گویند و آن ماهی پیرامون آن درخت هوم می‌گردد و اهریمن چند هزار خرفستر از بهر تبه ساختن هوم آفریده است اما از ترس خرماهی خرفستران پیش آن درخت گذشتن نمی‌توانند و دیگر آن که وقتی که آن خرماهی بانگ می‌کند هر ماهی اورمزدی که بانگ او شنود حمل‌دار می‌شوند و دیگر ماهی که اهریمنی خرفستران‌انداز بانگ و آواز خرماهی همه خرفستران را حمل می‌افتد دادار اورمزد آن ماهی را چنین عظمت داده است.» ← روایات داراب هرمزدیار ص ۹۴

به نام «هوم». در خرده‌اوستا، بخش «سی‌روزه‌کوچک»، هوم با صفات پاک‌سرشت آمده است بر خلاف سایر قسمت‌های اوستا که با صفت دوردارنده مرگ آمده است. هوم پاک‌سرشت شاید لفظی باشد مثل هوم عابد.

هوم در مان‌بخش و سرور نیک با چشمان طلائی در بلندترین قله کوه هرا از برای فرشته درواسپ فدیة آورده چنین درخواست نمود، مرا موفق ساز که افراسیاب مجرم تورانی را به زنجیر کشم و به زنجیر بسته بکشم و بسته برانم و در بند نزد کیخسرو، برم تا او را روبروی دریای عمیق چئنچست بکشد. کیخسرو آن پسر انتقام‌کشنده سیاوش که به خیانت کشته شد و از برای انتقام اغریث دلیر درواسپ هوم را کامروا ساخت (بورداوود، یشت‌ها، ج ۱، ص ۲۱۲).

در شاهنامه نیز هوم نام عابدی پرهیزگار است که در کوه به سر می‌برد و افراسیاب و گرسیوز را به بند کرده و به کیخسرو می‌سپارد تا آنان را به گناه‌کردارهای ناروایشان بکشد.

کجا نام آن پر هنر هوم بود پرستنده دور از بر و بوم بود^۱

احتمالاً هوم شاهنامه و «گئوش‌یشت»، یا گیاه هوم و هوم عابد دارای یک مفهوم فلسفی می‌باشند و آن که یاور و پشتیبان پاکان و راستان و مرگ‌زدای است، به کیخسرو یاری می‌رساند (خود از جاودانگان به شمار می‌آید) و افراسیاب و گرسیوز را به بند می‌کشد که نماد کشتار و خونریزی اهریمنی‌اند.

۱ - آن چه از متون برداشت می‌شود کوهستان جایگاه انسان‌های پارسا و دین‌دار و هم چنین جایگاه بیشتر اندیشمندان و عارفان بزرگ می‌باشد. به مانند زرتشت که بنا بر سنت ده سال از عمر خویش را در کوهستان به تفکر پرداخت و یا کورش بزرگ در دامان کوهستان پرورش یافت، هم چنین فریدون دوران کودکی خود را در کوهستان در نزد مردی دین‌دار گذراند.

شوم ناپدید از میان گروه	مر این را برم تا به البرز کوه
بیاورد فرزندان را چون نوند	چو غرم ژیان سوی کوه بلند
یکی مرد دینی بر آن کوه بود	که از کار گیتی بی‌اندوه بود

در «زامیادیش» که در مورد فرّکیانی سروده شده است از پنجاه‌وسه کوه نام می‌برد در پایان بند ششم چنین آمده است: «... و کوه‌های دیگر که پیش از این مردمان به آن‌ها نام دادند، از آن‌ها گذشته بی‌اندیشیدند؟» این مطالب نشان دهنده این است که احتمالاً کوه نماد دانایی، تفکر و اندیشه می‌باشد. هوم عابد هم که در آن جا زندگی می‌کرده و جایگاه گیاه هوم هم در کوهستان است، شاید نمادی باشد از تفکر و خردورزی بر جهان هستی. /م

هوم که خود دور دارنده مرگ است و درمان بخش، پس نه تنها مرگ را دور می‌کند بلکه به نبرد با نماد جنگ و خونریزی می‌رود و آن را نابود می‌کند.

هوم ایزد

هوم علاوه بر آن که نام گیاه و اشخاص بوده نام یکی از ایزدان هم است. در بندهش چنین آمده است:

هوم ایزد را هوم از سه آیین خویش است یعنی گیاه هوم از سه جهت متعلق به ایزد هوم است.^۱

در ضمن هوم بنا بر گفته‌های بندهش از همکاران تیشتر^۲ ایزد بارندگی و شهریور نامد فلزات است که در بندهش چنین آمده است:

چهارم از مینوان شهریور است او از آفرینش مادی فلزات را به خود

۱ - یکی ارتباط اسمی است دیگر اینکه هوم را نماد زمینی است، سوم مقدس بودن آن (بهار، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴).
 ۲ - همکارانی که با تیشتر ایستاده‌اند، بهمن و هوم ایزد هستند (بهار، ۱۳۷۸، ص ۶۴). آن چه که از یسنا و نوشته‌های پهلوی برمی‌آید برای ایزد هوم قربانی نیز می‌کردند و قسمت‌های خاصی از آن متعلق به این ایزد بوده است. چنان که از هات ۱۱ بند ۷ برمی‌آید:

«زود از برای هوم دلیر آن گوشت سور را به بُر تا این که تو را هوم به بند نمایم چنان که به بند بست افراسیاب زیانکار تورانی را که در میان ثلث زمین در میان دیوار آهنین احاطه شده بود.»

از این قربانی که از برای ایزد هوم بر پا شده سه قسمت از کل اندام حیوان متعلق به هوم است که عبارت‌اند از آرواره و چشم چپ و زبان که در کتاب شایست‌ناشایست به آن اشاره شده است. و کسانی که این سه قسمت از اندام قربانی را بر بایند یا بردارند و خیراتی که باید از برای هوم در راه خدا داده شود از بینوایان دریغ کند و خود بخورد از فرزندان نیکو بهره‌مند نشود.

در هات ۱۱ بند ۴ در مورد این قسمت از اندام گوسپند چنین آمده است:

«از برای من هوم پدر پاک اهورامزدا از قربانی دو آرواره با زبان و چشم چپ ارزانی داشت.»

در فقره چهارم از فصل یازدهم شایست‌ناشایست کلیه اعضاء یک گوسپند از برای خشنودی امشاسپندان و فرشتگان و فروهرهای پاکان و نامداران چنین تقسیم شده گوسپند هنگامی که در مراسم یشت کشته شود و اندام‌های آن جدا باشد پس گوشت‌های آن را باید چنین بخش کرد زبان و آرواره و چشم چپ از آن هوم ایزد است. (از آن جا که زبان متعلق به ایزد هوم است و آن را بر می‌گزیند سخن گفتن و کلام انسان در کف حمایت او است. و شاید از این روی است که باید انسان‌های وهومن نهاد آن را بخورند که بتوانند با کلام مانتره‌آمیز خود جامعه را هدایت کنند و آن را به سر منزل مقصد برسانند که این کار از آن‌هایی که نهاد وهومن‌گونه ندارند به دور است و جامعه را جز به تباهی به جایی نخواهند کشاند.)// نگارنده

گرفت به یاری و همکاری او خور و... هوم ایزد داده شده است.

در یسنا هات ۹ بند ۱ و ۲، گفت‌وگویی میان آشو زرتشت و هوم است:
 در هاون‌گاه، بامدادان هوم برآمد به زرتشت که پیرامون آتش را پاک
 می‌کرد و گاتها می‌سرایید از او پرسید زرتشت: ای مرد که هستی تو که مرا در
 سراسر جهان خاکی به دیدار می‌آیی با جان درخشان بی‌مرگ خویش.

آن‌گاه به من پاسخ گفت این هوم دوردارنده مرگ: من ای زرتشت، هوم
 پاک، دور دارنده مرگ هستم...

هوم در گاتها:

انسان در گاتها^۱ با جهان‌بینی گسترده‌ای روبرو می‌شود که زمان و مکان نمی‌شناسد. ما
 در گاتها با آداب و رسوم سر و کار نداریم بلکه با یک نوع بینش که خاص ابرمردی چون
 آشو زرتشت است روبرو می‌شویم که در گفتار این کتاب نیست.

هوم که در اوستا با نام «هُئوم» آمده در هیچ جای از گاتها نامی از آن برده نشده است.
 تنها در یسنا، هات ۳۲ بند ۱۴ از واژه‌ای بنام «دُرئوش» *duraōša* به معنی دور دارنده
 مرگ یا مرگ‌زدای، و در یسنا، هات ۴۸ بند ۱۰ از واژه‌ی «دُئوش» *dūša* نام برده شده
 است، در بخش‌های دیگر اوستا این واژه صفت است از برای هوم.

تفسیر این واژه از دیدگاه استاد پورداوود:

«واژه‌ای که به «مرگ‌زدای» درآوردیم در متن «دورئوش» *duraōša*
 آمده، صفت است و از دو جزء ساخته شده است. نخست «دور» *dura* در
 فرس هخامنشی نیز «دور» *dura* همان است که در فارسی «دور» گوئیم،

۱ - «گاتها» و یا «گاهان» سخنان خود آشو زرتشت است که امروزه در یسنا از هات ۲۸ تا ۵۳ قرار دارد (— گاتها
 سرودها آشو زرتشت برگردان موبد فیروز آذرگشسب، نشر فروهر). نوشته‌های گاتها با آن چه در سایر قسمت‌های
 اوستا و نوشته‌های پهلوی وجود دارد متفاوت است در اوستا با فرهنگ و عقاید و آداب و رسوم جامعه‌ای روبرو
 می‌شویم که سینه به سینه گشته و در رگ و خون مردم این فلات کهن سال نقش بر بسته با تمام خوبی‌ها و
 بدی‌های آن که شاید امروزه بعضی از آن‌ها کارایی نداشته باشد و باید خوبی آن‌ها را در شرایط زمانی خودشان دید
 و نه با دیدگاه امروزی. /م

جداگانه در بند ۱ از هات ۴۵ و در بسیاری از جاهای دیگر اوستا نیز آمده است، دوم «اَنوش» ahuša که به معنی تباهی و نیستی و مرگ است. هم چنین این واژه با حرف نفی «أ» «اَن اَنوش» an-ahuša در فارسی به جای مانده است و آن لغت انوشه است.

بدو گفت پیران که ای شهریار اَنوشه بزوی تا بود روزگار
 انوشیروان = انوشه روان یعنی روان آسیب ناپذیر یا جاودانی. «نوش» که در
 فارسی به معنی «آشام و بی مرگی یا آب زندگی» است، (نوش دارو، درمان
 بی مرگی) با واژه «اَن نوش» = انوشه یکی است. در این جا باید یادآور شویم
 که واژه هوش به معنی بخردی و فرزاندگی و زیرکی با واژه اوستایی «اَنوش»
 پیوسته ahuš هم چنین گفتیم در پاره دوم از یسنای ۹ صفت «دروئوش»
 duraōša صفت هوم است، هم چنین است در پاره های ۴، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۹،
 ۲۰، ۲۱ از همان یسنا و در پاره ۲۱ از یسنای ۱۰ و در پاره های ۳، ۱۰ از
 یسنای ۱۱. چنان که می دانیم این سه هات از یسنای ۹ تا ۱۱ درباره ی گیاه
 و فشرده هوم است. هوم نیز در یسنای ۹ فرشته آسا با آشوزرتشت در گفت و
 گو است، در سراسر اوستا (به جز) گاتها از مراسم هوم سخن رفته است اما در
 گاتها که از سروده های خود آشوزرتشت است از هئوم haoma یاد نشده
 است و نه در هفت هات یعنی از یسنای ۳۵ تا ۴۱ که پس از گاتها کهن ترین
 بخش نامه مینوی است (پورداوود، یادداشت های گاناها، ص ۱۶۶).

چون صفتِ دور دارنده ی مرگ یا مرگ زدای همیشه در سه هات ۹ تا ۱۱ از برای
 هوم آورده شده بعضی از محققین این واژه را هوم ترجمه کرده اند که ترجمه بعضی از
 آن ها در زیر آورده شده است.

یسنا، هات ۳۲ بند ۱۴:

آهیا. گِرهمو. آ. هوای توویی.
 نی. کاوِیس. چیت. خَرَتوُش. دَدَت.
 وِرچائو. هی چا. فَرای دیوا.
 هَیت. ویسن. تا. دَرگونِتم. آوو.
 هَیت چا. گائوُش. جئیدایی. مَرَوئی.
 ی. دورئوُشم سئوچیت آوو

یسنا، هات ۴۸ بند ۱۰:

گدا. مَزدا. مانُ ترَوايش. نَرو. ویسنت.

گدا. آجِن. موثرِم. آهیا. مَدَهِیا.

یا. اَنگَریا. کَرپَ نو. او رُو پَ ی این تی.

یاچا. خَرَتو. دُو ش. خُشَترا. دَخیو نانم.

برگردانِ یسنا، هات ۳۲ بند ۱۴ (پورداوود):

از برای ستم به وی گرهَم و کوی ها دیرباز است که خرد وَرَج خویش فرو نهادند چه آنان بر آن شدند که دروغ پرست را یاری کنند و گفته شده که چارپا از برای کشتن است تا این که مرگ زدای را به یاری کردن برانگیزاند.

برگردانِ یسنا، هات ۴۸ بند ۱۰ (پورداوود):

کی ای مزدا مردان پیام را خواهند شناخت؟ کی پلیدی این می را خواهی برانداخت که از آن کرپن ها از روی کین و از خرد خویش می فریبند شهریاران بد کشورها را.

برگردانِ یسنا، هات ۳۲ بند ۱۴ (فیروز آذرگشسب):

دیربازی است که گِرهمایِ آزمند با کمک کاوی ها اندیشه و نیروی خود را برای به دام انداختنِ پیام آور تو متمرکز ساخته اند. آنان از هواخواهان دروغ و گمراهان یاری جویند و برای جهان آفرینش فساد و تباهی آرزو کنند بدین امید که شکست ناپذیر، آن ها را یاری خواهد کرد.

برگردانِ یسنا، هات ۴۸ بند ۱۰ (فیروز آذرگشسب):

ای مزدا! یارانم برای گسترش دین اهورایی کی خواهند آمد؟ پروردگارا! پلیدیِ دروغ و آز کی از پهنه ی گیتی برانداخته خواهد شد؟ وسیله ای که (با آن) کرپان های سیه کار مردم را می فریبند و شهریارانِ ستمگر با اندیشه های شوم بر کشورها حکومت می کنند.

برگردانِ یسنا، هات ۳۲ بند ۱۴ (علی اکبر جعفری):

زمانی است که برای به دست آوردنِ مالِ مفت کاویان، شاهزادگانِ فرزانه نیز هوش و گوش خود را متوجه این امر کرده اند و بدین طریق به دروغ کاران کمک و یاری می کنند و می گویند جهان را باید به تباهی کشاند زیرا مستی نوشابه هوم، آن دور دارنده هوش آنان را برانداخته و بدین کارها برانگیخته است.

برگردان یسنا، هات ۴۸ بند ۱۰ (علی اکبر جعفری):

ای مزدا! کی مردم به هوش خواهند آمد؟ کی بدمستی این زهراب برخواهد افتاد؟ از این است که پیشوایان دروغین مذهب و فرمانروایان بدکشورها، با کج اندیشی خود آزار می‌رسانند.

بنا بر نوشته‌های بار تولومه، در گاتها، یسنا ۳۲ بند ۱۴ پیغمبر ایران استعمال شربت مسکری را باز داشته است. چه در قطعه مذکور از صفت «دورئوشه» سخن رفته است یعنی دور دارنده مرگ؛ همین صفت است که غالباً در اوستا از برای هوم آمده است، هومی که امروزه استعمال می‌کنند طوری نیست که احتمال سُکر در آن برده شود و در قدیم هم نزد ایرانیان شربت مسکری نبوده است (پورداوود، ۱۳۷۷، یشت‌ها، ج ۱، ص ۴۷۰).

سخن آخر

احتمالاً بیشتر محققین ایرانی منابع خود را از اروپاییان گرفته‌اند و احتمال این که این جمله را هوم سکرآور می‌دانند [که بر آن هم مطمئن نیستند] از تأثیر اروپاییان است، در صورتی که در اوستا و نوشته‌های پهلوی هوم در مان‌بخش و دوردارنده‌ی مرگ است اما به جای آن در گاتها سکرآور ترجمه شده است.

همان گونه که در فرهنگ عامه مشاهده می‌کنیم هومی که امروزه استفاده می‌شود احتمالاً همان هومی است که در گذشته بوده است و هیچ تفاوتی در میان‌شان نیست. ما کار محققین اروپایی را کم‌ارزش نمی‌دانیم اما آیا آن‌ها این گیاه را دیده و یا از آن استفاده کرده‌اند؟ یا فقط یک تحقیق کتاب‌خانه‌ای انجام داده‌اند.

این وظیفه ماست که نقص کارهای آنها را جبران کنیم و در پی بازسازی آن باشیم نه آن که فقط از کار آن‌ها کپی‌برداری کنیم تحقیق آن‌ها را صددرصد درست بدانیم. زمانی که صحبت از نوشابه‌ای سکرآور به میان می‌آید در ذهن انسان این چنین نقش می‌بندد که مانند نوشابه‌های الکلی هوش و تعادل ذهنی را از انسان می‌گیرد. در صورتی که نوشابه هوم این گونه نیست. گواه بر این ادعا هات ۱۰ بند ۸ است و هم چنین کسانی که آن را در مراسم گهنبار و سدره‌پوشی، نوزوتی و دیگر مراسم‌های زرتشتی نوشیده‌اند می‌دانند که نوشابه هوم مستی به همراه ندارد.

همان طوری که بارتولومه در بالا به آن اشاره کرده استعمال هوم طوری نیست که احتمال سکر در آن برده شود.

اگر «درئوشم» در اوستا صفتی است از برای هوم که با واژه موصوف آن یعنی هئوم آمده است. این که فقط صفتی آمده دلیل بر اثبات این نیست که این صفت فقط برای یک موصوف به کار می‌رود. (به عنوان مثال جاودانگی می‌تواند علاوه بر صفت هوم صفت افراد بسیاری باشد آن چنان که در اوستا از آن‌ها نام برده شده است) و آن چه از ادبیات مان برمی‌آید بیان صفتی با ویژگی نیک برای چیزهای سودمند به کار برده می‌شود.

وانگهی زرتشت که همه سخنانش در بهتر زندگی کردن است آیا گیاهی که خاصیت درمان‌بخشی دارد را منع می‌کند. اگر چنین می‌بود می‌فرمایید: «در بردارنده مرگ» نه «دور دارنده مرگ». در هیچ جای از اوستا نیامده که استفاده از نوشابه هوم سکرآور است و خشم خونین و نفرت و مرگ یا از خودبی خود شدن به ارمغان می‌آورد بلکه بلعکس از بی‌مرگی و درمان‌بخش و راستی‌پرور بودن آن صحبت در میان است آن چه از اوستا برمی‌آید، چنین است:

یسنا، هات ۱۰ بند ۸:

آری همه می‌های دیگر را خشم خونین سلاح در پی است اما آن می
هوم را رامش راستی همراه است مستی هوم سبک سازد هر آن مردمی را که
هوم را چون پسر (فرزند) خردسالی نوازش کند هوم خود را از برای آنان آماده
ساخته به تن شان درمان بخشد.

و یا در «آرت‌یشت» بند ۵ نوشابه هوم را چنین می‌داند:

دروود به هوم، به کلام مقدس (منترا) به زرتشت پاک حقیقتاً درود به هوم
زیرا که همه می‌ها را خشم خونین سلاح (گرز) خونین آرنده همراه است اما
می‌هوم را خود راستی در پی است.

آیا گیاهی که خاصیت پزشکی دارد و از آن به عنوان دور دارنده مرگ نام برده شده
هوم می‌که از آن به عنوان می‌راستی‌بخش و درمان‌بخش یاد شده که بر خلاف دیگر

می‌هاست که خشم خونین سلاح در پی دارند، آیا اندیشمندی چون زرتشت این گیاه را با خاصیت‌های پزشکی آن منع می‌کند باید این را از اندیشه خود بپرسیم زرتشتی که با تمام نیرو به مقابله با مراسم مذهبی و افراتی که کرپن‌ها و اوسیج‌ها به پا داشته بودند، می‌ستیزد و جان خود را بر سر این راه می‌گذارد. زرتشتی که در یسنا هات ۳۲ بند ۸ جمشید شاه، بزرگ‌ترین پادشاه پیشدادی را از گناه کاران می‌شناسد آیا نمی‌توانسته که به طور روشن و مشخص از واژه هوم استفاده کند، آیا ترسی بر او غلبه کرده که واژه‌ای بنام هوم را به طور مستقیم به کار نبرده و صفت آن را به کار برده است؟

اما اگر راستش را بخواهید، باید ببینیم که خود آشو زرتشت در این رابطه چه می‌گوید؛ آشو زرتشت از همه می‌خواهد که فقط به سخنانِ نغز گوش فرا ندهند بلکه با اندیشه روشن بنگرند سپس خواه نیکی خواه بدی را برای خود و نه برای دیگران برگزینند. در ضمن توصیه می‌کند که این آیین را پیش از آن که روز بزرگ فرارسد، دریابیم.

در هات ۳۰ بند ۲ چنین آمده است:

بهترین گفته‌ها را با گوش بشنوید و با اندیشه روشن بنگرید سپس هر مرد و زن از شما از این دو راه نیکی و بدی یکی را برای خود برگزیند این آیین را پیش از آن که روز بزرگ فرارسد، دریابیم.

پس ما را کاری با اختلاف بر سر ترجمه «درئوشم» نیست که آیا این همان هوم است که منع شده یا نه.

اصولاً در گاتها آشو زرتشت چه چیزی را منع کرده که یک باره بخواهد استفاده از نوشابه هوم را منع کرده باشد، مشخص نیست، دانسته یا نادانسته این سخنان را از کجا می‌آورند که می‌گویند آشو زرتشت استفاده از نوشابه هوم را منع کرده است.

این شاهکار آشو زرتشت است که نه تنها هوم را بلکه هیچ چیز دیگری را در گاتها منع نکرده و همه آن‌ها را به زمان و مکان و اندیشه خود انسان واگذار کرده است و برای ما تکلیف مشخص نکرده است.

به تمام این پرسش‌های پیرامون مان، باید‌ها و نبایدها، چه بخوریم چه نخوریم و کی بخوریم و... باید دانشمندان و متخصصین پاسخ بدهند همچنین در مورد پوشاک و خانه و

آسایش‌های دیگر زندگانی برابر توصیه‌های دانشمندان متخصص باید کار کرد. امروزه این کار برعهده پزشکان و دانشمندان و داروشناسان و گیاه‌شناسان متخصص است که با آزمایش در آزمایشگاه‌ها برای ما باید تعیین کنند که این گیاه برای انسان زیان‌آور است یا خیر. پس جواب این سوال را به متخصصین واگذار می‌کنیم. اگر زیان‌آور باشد خرد می‌گوید که استفاده از آن نارواست. آن چه را که علم برای انسان زیان‌آور بداند ما هم آن را برای خود با تمام تقدس چندین هزار ساله‌اش منع می‌کنیم.

بخش دوم

● هوم در منابع پزشکی

● سخن آخر

همان طور که در بخش اول اشاره شد گیاه هوم باستانی را امروزه با گیاه «افدرا» یکی می‌دانند طبق بررسی‌های انجام گرفته این گیاه همان هومی است که در مراسم‌های خاص زرتشتیان استفاده می‌شود و شیره آن را با آب یا شیر مخلوط نموده، مراسم‌های ویژه‌ای برای آن انجام می‌دهند و آن را به صورت کاملاً رقیق شده با غلظت کم و شفاف می‌آشامند و آن طور که می‌دانیم در کل اسطوره‌های به جای مانده در متون اوستایی، ودایی این گیاه دارویی مفید از لحاظ پزشکی می‌باشد در این بخش سعی شده است که بدون در نظر گرفتن متن‌های نوشته شده در اوستا آن را به عنوان یک ماده دارویی بررسی کنیم تا خصوصیات درمان بخشی آن از لحاظ علم پزشکی مطرح گردد.

افدرا

درخچه‌ای است که انواعی از آن در اغلب مناطق خشک و نیمه خشک ایران می‌روید و با نام‌های محلی مختلفی شناخته می‌شود. از جمله در کرج «لُرمک» در آذربایجان غربی «قاطر قویز و خی» در میانه «بدرُخ» در خیرآباد میانه «قویروخ» در کویر انارک، چهل چشمه و سایر نقاط فارس «علی جونک» و «علی جون» در عمادلو و هرزویل «خُم» در علی‌آباد منجیل «خیم» گفته می‌شود و در بعضی از کتب آن را «ریش بز» نوشته‌اند.

گیاه افدرا را به فرانسوی Ephedra و به انگلیسی Ephedre نامند؛ گیاهی از خانواده

Ephedraceae است.

ترکیبات شیمیایی:

گونه‌های مختلف افدراکم و بیش دارای آلکالوئیدهای معروف افدرین^۱ هستند که مصرف وسیع دارویی دارند و به علاوه در گونه‌های مختلف مواد شیمیایی دیگری نیز وجود دارند در گونه‌های متفاوت این گیاه افدرین و پزودوافدرین با درصدهای متفاوت یافت می‌شوند که از لحاظ دارویی شبیه آدرنالین می‌باشند:

- 1- Ephedrine C10 H15 N0
- 2- Pseudo-Ephedrine
- 3- Adrenaline

خواص و کاربرد

در هند از عصاره آبی گیاه که طمعی تلخ و قابض دارد برای کنترل حمله‌های آسمی استفاده می‌شود. تنطوری گیاه برای تقویت لب و تحریک جریان گردش خون تجویز می‌شود. در شوروی سابق از جوشانده شاخه‌ها و ریشه‌های افدراکم برای معالجه روماتیسم و سیفلیس استفاده می‌نمودند. عصاره میوه‌های افدراکم برای رفع ناراحتی‌های مجاری تنفسی مؤثر است.

«در چین در مورد خواص آلکالوئیدهای افدراکم، نظرات زیر را ابراز می‌دارند.

۱. دارویی است محرک، برای مغز و مراکز اعصاب در مقابل خستگی و نگرانی‌ها.
۲. دارویی است محرک، برای کنترل اعصاب و در این مورد آثار آن هفت نوع است:
 - الف) در اثر کاهش قطر رگ‌ها و انقباض عروق فشار خون بالا می‌برد.
 - ب) حرکات عضلات روده‌ای را آرام می‌کند.
 - ج) انقباض برونش را آرام می‌کند و آسم را دفع می‌نماید و بهبود می‌بخشد.
 - د) ترشح بزاق و مایعات معده را تحریک می‌کند.
 - ه) حرکات رحم را تسریع می‌کند (برای ناراحتی‌های بعد از زایمان تجویز می‌شود)^۲
 - و) مردمک چشم را باز می‌کند.

۱ - این گیاه دارای گونه‌های متفاوتی است که برای اطلاعات بیشتر می‌توان به کتاب‌نامه مراجعه کرد.

۲ - این درمان را می‌توان در بین مردم شهر اوز مشاهده کرد. /م

(ز قی و استفراغ را تسکین می‌دهد (میرحید، ۱۳۷۵، ص ۵۰۴). سایر خواص آن که هر یک در یک یا چند مدرک پزشکی آمده است. «تب‌بر و معرق است، تورم‌های استقایی را کاهش می‌دهد. معالجه روماتیسم است، تسکین دهنده سیاه سرفه، به علاوه برای تیفوئید، آسم، استسقا نیز تجویز می‌شود. ضد سم موثری برای مسمومیت‌های ناشی از اسکوپولامین^۱ است که ترکیب آن با سایر مواد نوعی داروی مسکن می‌باشد استعمال موضعی در چشم اثر بازکننده مردمک چشم را دارد و مخلوط آن با مرفین در زایمان‌ها به عنوان نیمه مسکن و نیمه بیهوش کننده مصرف می‌شود.^۲ اسانس روغنی آن باعث کم شدن مرگ و میر ناشی از آنفولانزا می‌شود و جوشانده آن را برای دفع سرماخوردگی می‌نوشند (همان، ص ۵۰۷).

سایر بررسی‌ها و تحقیقات در مورد خواص درمانی افدرا در جهان

افدرا از قوی‌ترین گیاهان دارویی رفع احتقاق برونش‌ها می‌باشد؛ یکی از قدیمی‌ترین گیاهان دارویی جهان است و ما شاید بارها از آن به عنوان نسخه سرماخوردگی که دارای ماده شیمیایی لابراتوری پژوهش‌هاست، استفاده کرده‌ایم. بنیان این دارو از گیاه دارویی هوم است که احتمالاً بیش از ۵۰۰۰ سال سابقه شفابخشی دارد. تاریخ شروع پزشکی در چین به درستی روشن نیست اما صاحب‌نظران معتقدند که پزشکان چینی از ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح دم کرده یا جوشانده این گیاه را برای سرماخوردگی، آسم و تب یونجه تجویز می‌کردند.

در هند و پاکستان نیز با همین قدمت از این گیاه به عنوان داروی پزشکی استفاده می‌کردند. در آمریکا زمانی که قوم مورمون به سرزمین یوتا وارد شد، سرخ‌پوستان بومی یوتا آن‌ها را با هوم آشنا کردند. مورمون‌ها این گیاه را جانشین چای و قهوه نمودند و دم کرده آن را به عنوان نوشابه مفیدی مصرف می‌کردند و کم‌کم در مناطق غربی آمریکا این گیاه با نام چای مورمون^۳ شناخته شد که هنوز هم این نام را در آن مناطق حفظ کرده

۱ - scopolamine

۲ - احتمالاً این گیاه همان است که در داستان به دنیا آمدن رستم بیان شده است. / م

۳ - Mormon tea

است.

ترکیبات شیمیایی فعال گیاه افدرا شامل افدرین، پزودوافدرین^۱ و نورپزودوافدرین^۲ می‌باشد که موارد نیرومندی برای تحریک سیستم اعصاب مرکزی هستند. افدرین مجاری برونش‌ها را باز می‌کند و با گشودن گذرگاه برونش‌ها کار قلب تحریک می‌شود و فشار خون بالا می‌رود و روند متابولیسم بدن افزایش می‌یابد و تعریق و تولید ادرار را افزونی می‌بخشد ولی در عین حال ترشح بزاق و اسید معده را کاهش می‌دهد.

«در طول دوره‌ای بیست ساله در کشورهای غربی از افدرن به عنوان داروی سرماخوردگی و آسم و تب یونجه به عنوان داروی احتقان و بازکننده لوله‌های برونش‌ها به کار می‌رفت که امروزه به جای آن از پزودوافدرین استفاده می‌کنند که از نظر دانشمندان تا حدود زیادی همان آثار درمانی افدرین با عوارض جانبی کمتر را داراست.» افدرین به عنوان ماده مؤثر برای تحریک سیستم اعصاب مرکزی روند متابولیسم^۳ بنیادین را افزایش می‌دهد. معنی آن این است که بدن را وادار می‌کند کالری‌های جذب شده غذایی را سریع‌تر بسوزاند که این عمل موجب کاهش وزن می‌شود.

یک تحقیق نشان می‌دهد که افدرین به اشخاص سیگاری کمک می‌کند که میل به سیگار آن‌ها کاهش یابد (میرحید، ۱۳۷۵، ص ۵۰۸).

سخن آخر

بر طبق مطالبی که پیش روی شماست گیاه هوم خواص دارویی بسیار زیادی دارد که مصرف به اندازه آن می‌تواند باعث سلامتی، شادابی و تندرستی شخص شود. مطلبی که نیاکان دانشمند ما از هزاره‌ها پیش به راز آن پی برده و به آن عمل می‌کردند.

۱ - Pseudophedrine

۲ - Norpseudophedrine

۳ - Basal metabolism

بخش سوم

● هوم در ادبیات عامه

فرهنگ عامه

در این بخش از کتاب به بررسی هر چند مختصر درباره هوم در ادبیات عامه این مرز و بوم می‌پردازیم و خواهیم فهمید که در جای جای این فلات کهن سال، با وجود گذشت قرن‌ها هنوز فرهنگ و تمدن کهن ایرانی برقرار و پایدار است. اگر چه رنگ و روی آن دگرگون گشته است و مردم نقاط مختلف گیاه هوم را با نام‌های متفاوت می‌شناسند، بدون آن که سرگذشت و تقدس آن را بدانند. بشود که با شناخت هر چه بهتر از این فرهنگ کهن، آن را دریابیم و تلاش در گسترش و بازسازی آن کنیم. تا آن جا که تاب و توان داشتیم فرهنگ عامیانه را در مورد این گیاه به دست آوردیم؛ چه در قسمت‌هایی از این سرزمین بزرگ که امروزه از ایران بزرگ جدا شده‌اند مانند تاجیکستان، افغانستان، ازبکستان، ارمنستان و... و چه آن‌هایی که برای همیشه جزئی از ایران باقی خواهند ماند. این گیاه در بین مردم جای دارد و در دل هایشان حرف‌هایی برای گفتن دارند که ما از آن بی‌خبریم. باشد که با راهنمایی دوستان و علاقه‌مندان به فرهنگ ایران در نقاط مختلف، از کمبودهای ماکاسته شود و با به دست آوردن اطلاعات بیشتر از فرهنگ عامه نقاط دیگر، گنجینه شفاهی این مرز و بوم که در حال فراموشی است را زنده نگهداریم و فرهنگ کهن سال خود را به رسم امانت به آیندگان بسپاریم.

پیش از بیان خواص هوم در فرهنگ عامه، احتمال یکسان بودن گیاه هوم باستانی با گیاهی که امروزه در مراسم‌های مذهبی از آن استفاده می‌شود را بررسی می‌کنیم.

تنها منبع ما در این باره اوستا، ریگ ودا، متن‌های پهلوی و کتاب تفحة المؤمنین^۱ است. در اوستا و ریگ ودا تنها از رنگ این گیاه و محل رویدن آن نام برده شده است. به طوری که در تحقیق‌های میدانی دیده شده است، این گیاه در تمام فصل سال سبز رنگ است و زمانی که شاخه‌های قدیمی آن به طور طبیعی خشک شده و عمر خود را به پایان رسانده است به رنگ زرد تبدیل می‌شود؛ حتی اگر شاخه‌ای سبز رنگ از این گیاه را شکسته و خشک کنیم باز هم به رنگ سبز باقی می‌ماند، تنها زمانی که به طور طبیعی خشک شود به رنگ زرد تبدیل می‌شود.

به احتمال زیاد از قسمت‌هایی که خشک و به رنگ زرد تبدیل می‌شوند در مراسم استفاده می‌شده است، چرا که دارای حیات نمی‌باشد و برای استفاده از آن در مراسم گیاه زنده‌ای را نابود نمی‌ساختند و فراموش نکنیم این ضرب‌المثل قدیمی نیاکانمان را که می‌گوید: «درخت افکن بود، کم زندگانی».

به طور کلی در فرهنگ ایرانی کشتن و نابود کردن، جایی ندارد. در بیش‌تر بندها هم به هوم زریزنگ درود فرستاده شده که آشامیدنی جان‌افزا است. به عنوان نمونه می‌توان از «هفتن‌یشت بزرگ» کرده ۸ بند ۵ مثال زد که می‌گوید: «به هوم زریزنگ بلند رویده، درود می‌فرستیم به هوم دور دارنده مرگ درود می‌فرستیم».

و یا در هات ۴۲ بند ۵ چنین آمده است: «هوم زریزنگ (زرد رنگ) برزمند را می‌ستاییم، هوم گیتی افزا را می‌ستاییم، هوم دور دارنده مرگ را می‌ستاییم».^۲

هم‌چنان که در تحقیقات میدانی مشاهده شد، هوم بیش‌تر در مناطق کوهستانی می‌روید و مانند نی بند بند است با قطری کم به اندازه‌ی دو تا سه میلی‌متر. در اوستا و ریگ وداها نیز خاستگاه این گیاه کوهستان‌ها مشخص شده است و در تمام فصل سال سبز رنگ است مگر قسمت‌هایی از آن که خشک شده و مربوط به سال‌های قبل است و به

۱ - کتاب پزشکی (گیاه‌پزشکی) تقریباً مربوط به سه قرن پیش که در آن از گیاهان دارویی و خواص آن‌ها نام برده شده است. /م

۲ - برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: آرت‌یشت بند ۳۷ و ۳۹؛ یسنا: هات ۹ بند ۱۶ و ۱۷؛ هات ۵۷ بند ۱۹؛ هات ۹ بند‌های ۱۶، ۱۷، ۳۰، ۳۱ و ۳۲؛ هات ۱۰ بند ۱۳؛ هوم‌یشت بند ۱ و ۲؛ مهریشت کرده ۳۲ بند ۸۸؛ سروش‌یشت داخند کرده ۸ بند ۱۸؛ ویسپرد کرده ۱۱ بند ۲؛ خرده اوستا سی روزه بزرگ بند ۰.۳/م

رنگ زرد می‌باشند. در داخل آن ماده‌ای قهوه‌ای رنگ وجود دارد، که این ماده از لحاظ پزشکی دارای افدرا می‌باشد. این گیاه دارای برگ نمی‌باشد و تنها در اواخر بهار (بستگی به سردسیر بودن محل رویش) و یا ابتدای تابستان دارای گل‌های زرد رنگ می‌شوند که مانند شکوفه بهاری درختان می‌باشد که پس از ریختن گل‌های کوچک آن در تابستان میوه نارنجی رنگ می‌دهد که به اندازه یک عدس می‌باشد که لبریز از آب و شیرین است و در وسط آن دانه این گیاه قرار دارد.

حکیم مؤمن (تقریباً در سه قرن پیش می‌زیسته) در تحفة المؤمنین می‌نویسد:
هوم‌المجوس گیاهی است ساقش یک عدد و باریک و صلب و گلش زرد رنگ و تیره شبیه به یاسمین و برگش (گل) ریزه است و ظاهراً از جنس ارغوان زرد رنگ باشد و نزد برخی بخور مریم است.

و در جای دیگر می‌نویسد:

مرانیه هوم‌المجوس است مراهم اسم فارسی هوم‌المجوس است.

زنده یاد پورداوود می‌نویسد:

هوم آن گونه که نگارنده خشک آن را دیده‌ام گیاهی است بسیار کوچک ساقه‌های بی‌برگ و کوچک آن شبیه است به کاه گندم. این گیاه را از ایران برای معابد پارسیان به هندوستان می‌آورند (پورداوود، ۱۳۷۷، ص ۴۷۱).

امروزه قابل اثبات است که بسیاری از عقاید ودایی با عقاید ایرانیان باستان مشترک است که هوم نمونه‌ای از آن است.

در ادبیات ریگ‌ودایی سرودهایی وجود دارد که در ستایش «سوما» می‌باشد و قسمت‌هایی از آن اشاره به شکل سوما یا همان هوم ایرانیان دارد. به عنوان مثال در ریگ‌ودا قسمت ستایش سوما ماندالای ۹ سرود ۵۷ بند ۲ به سبز رنگ بودن آن اشاره دارد:

سومای سبز قام، با اندیشیدن به همه اعمال مقدس که منظور خدایان است به سوی (قربانی) می‌تازد و سلاح خود را به حرکت درمی‌آورد.

و یا در ستایش عصاره سوما پوما- ماندالای ۹ سرود ۹۷ بند ۶ به زردرنگ بودن آن اشاره دارد. همان طور که در اوستا از آن (با) عنوان زرینرنگ نام برده شده است: ای زرین فام، چون خود را صاف سازی، روان شو که سراینده را غنی سازی و شیره تو به سوی اندرارود تا موجب نگهداری او باشد.

ماندالای ۹ سرود ۳۳ بند ۲ در مورد رنگ شیره هوم که تیره رنگ است، صحبت می کند:

آن شیره های حنایی رنگ درخشان با شتاب با جوئی از آب به سبوها می ریزد، و از این عصاره ها روزی همراه با گله گاوان سیلان می یابد.

تمام مشخصاتی را که در مورد شکل ظاهری گیاه هوم در بالا یادآور شدیم. تقریباً همان مشخصاتی است که امروزه در مراسم های دینی مورد استفاده قرار می گیرد و احتمالاً این گیاه همانی است که در نوشته های گذشتگان به طور پراکنده به شکل آن اشاره شده است. پس می توان چنین برداشت کرد: هومی را که امروز در مراسم ها استفاده می کنیم همان هومی است که در هزاران سال پیش نیاکان مان در مراسم های دینی خود استفاده می کردند و نه گیاهی مشابه آن.

این عقاید هنوز در ذهن مردم ایران با گذشت زمان های بسیار باقی مانده است و بدون آن که سرگذشت آن را به یاد داشته باشند؛ پس این گیاهی را که در نقاط مختلف دیده شده و از مردم در مورد آن سوال کردیم همان گیاه هوم است با اسامی تغییر یافته آن که در دوران های بعدی بر روی آن گذاشته اند.

لازم به یادآوری نکته جالب توجهی هستیم:

از آن جا که سرودهای اوستا تماماً متعلق به شرق ایران است، بیشترین پوشش گیاهی هوم که نگارنده آن را دیده ام در شرق ایران در استان خراسان است که قسمتی از خراسان بزرگ است. در این جا شما را با عقاید مردم در مورد این گیاه آشنا خواهم کرد.

در غرب استان خراسان در جایی به نام دشت «جوین» Juvain در روستایی بنام آزادوار و به قول مردم محلی که اسم قدیم آن را آذروار می دانستند (یعنی کنار آتش) به گیاهی که ما بنام کهن آن یعنی هوم می شناسیم، مردم این دیار از ایران بزرگ آن را با نام

کوشک košk می‌شناسند و اعتقاد مردم این منطقه نسبت به این گیاه چنین است: شاخه‌های این گیاه را خرد کرده سپس در آب جوشانده و آن را می‌کوبند، آب به دست آمده را برای رنگ کردن مشک‌هایشان استفاده می‌کنند که این عمل آن‌ها باعث می‌شود که مشک‌هایشان خراب نشود و ماستی که در این مشک‌ها درست می‌شود، خوش‌مزه‌تر و بهتر است.

در ضمن مردم این منطقه اعتقاد دارند که اگر کسی استخوان درد یا شکستگی استخوان داشته باشد نوشیدن افشره این گیاه درد آن‌ها را خوب می‌کند و اگر زوجی که بچه‌دار نمی‌شوند شیره این گیاه را گرفته و به مدت سه شبانه‌روز به کمر خود ببندند، دارای فرزند می‌شوند.^۱

این اشخاص که نام هوم و مراسم آن را مدت‌هاست به فراموشی سپرده‌اند اما اعتقادشان نسبت به این گیاه پس از گذشت سال‌ها هنوز باقی مانده است بدون آن که بدانند یسنا و یابندهش چیست و دارای چه مفهومی است.

این عقاید را در قسمت‌هایی از یسنا مشاهده می‌کنیم. به عنوان مثال یسنا، هات ۱۰ بند ۷ چنین آمده است.

نابود شود بزودی هر آن آلودگی که به وجود آمده باشد، از آن خانه‌ای که در آن جا آورند و در آن جا بسرایند درمان پدیدار (آشکار = واضح) هوم را درستی (و) چاره‌بخشی (آن را) (آن را از برای خانواده و دودمانش).

و یا در بند ۹ از یسنا، هات ۱۰ چنین آمده است:

ای هوم مرا از آن درمان‌هایی ده که تو از آن‌ها درمان‌سازی...^۲

اعتقادی که مردم آزادوار نسبت به خواصیت بارداری این گیاه دارند نیز جالب توجه است زیرا در اوستا مشاهده می‌کنیم که هوم به زنان، فرزندان دلاور و پارسا می‌دهد که در یسنا، هات ۹ بند ۲۲ چنین آمده است:

۱ - با سپاس از خانواده آقای مهدی آزادواری و اهالی روستای آزادوار که این اطلاعات را در اختیار ما گذاشته‌اند.
 ۲ - برای آگاهی بیشتر در مورد درمان‌بخش بودن هوم نگاه کنید به: سروش هادخت‌یشت بند ۱۸، مهریشت بند ۸۸ آرت‌یشت بند ۳۷/م

هوم به آن دلیرانی که در پیکار اسب تازند زور و نیرو بخشد، هوم به زایندهگان (به زنان زاینده) پسران نامور (و فرزندان پارسا دهد...

در ضمن فراموش نکنیم از آن چه که پیش تر گفته شد، نخستین کسانی که نوشابه هوم را آماده ساختند دارای فرزندی نام آور شدند که در تاریخ و فرهنگ ما جایگاه بس بلندی دارند. در بندهش آمده است که:

... هر سال سیمرغ آن درخت را بیفشاند، آن تخم‌های فروریخته در آب آمیزد تیشتر آن‌ها را با آب باران ستاند، به کشورها باراند. نزدیک بدان درخت، هوم سپید درمان بخش پاکیزه در کنار چشمه اردویسور رُسته است هر که آن را بخورد، بی مرگ شود... (بهار، ۱۳۸۰، ص ۸۷)

در ضمن مردم آزادوار گیاه هوم و یا بنام محلی خود «کوشک» را نوعی سوخت خوب می‌دانند که اگر در آب هم خیس شود باز آتش می‌گیرد و برای آن یک بیت شعر دارند:

کوشک گفت که من نوع عروسم دمم بگیر بالا تا خوب بسوزم
یعنی اگر از ساقه‌ها آن را بگیریم رو به بالا و سر آن رو به پایین باشد به سرعت می‌سوزد.

یک شاخه از گیاه هوم را به شخصی به نام نیک محمد جان که اهل افغانستان و در قسمت کوهستانی بدخشان ولایت فیض آباد چشم به دنیا گشوده بود، نشان دادم و از وی پرسیدم که آیا این گاه در دیار شما می‌روید یا نه که گفت در کوه‌های آن جا این گیاه می‌روید و تا ارتفاع یک متر می‌رسد و در آن جا به آن «مادِرَخ» گویند و از آن نوعی مواد نیروزا درست می‌کنند (که برای سلامتی انسان ضرر دارد) و در ضمن این گیاه برای درد نیز خوب است.

«مادِرَخ» به معنی «مادرِ تمام درخت‌هاست» شاید این عقیده قدیمی ایرانیان نسبت به گیاه هوم به خاطر خواصیت‌های پزشکی و مادی و معنوی آن است که بر دیگر گیاهان برتری دارد و به همین دلیل است که در بندهش آمده است که گیاه هوم سرور و شهریار گیاهان است و یادریسنا، هات ۱۰ بند ۴ نیز گیاه خوب مزدایی معرفی کرده شده است: ستایم زمین فراخ پهن کارفرمای بخشایشگر در بردارنده‌ی تو را، ای

هوم پاک؛ ستایم سرزمینی را که تو از آن جا به سان یلی (گیاه‌های) خوشبو و گیاه خوب مزدا می‌روی، ای هوم، پروی بر زیر کوه و نم‌کن در همه جا به درستی تویی سرچشمه‌ی راستی.

در این مورد نیز در ریگ‌ودا در ستایش سوماپومای نهم (ماندالای ۹ سرود ۱۱۳ بند ۴) سوما را پادشاه نامیده و در این راستا نیز با عقاید ایرانیان هم‌راستا است؛ گویی این که تمام این عقاید قبل از جدایی ایرانیان با هندوها شکل گرفته است.
... ای سومای پادشاه، تو ای سوما که سازنده تو، تو را زینت داده است...

در شهرستان اَوَز Evaz از شهرهای استان فارس که در ۴۰ کیلومتری غرب شهر لار قرار دارد در کوه‌های این شهر گیاه هوم با نام محلی «رَزِگنه» Zazegoneh در بین مردم معروف است. بعد از مشاهده این گیاه در کوه‌های اطراف شهر شاخه‌ای از آن را چیده و به خانواده خضری که مهمان ایشان بودم، بردم و از آن‌ها در مورد این گیاه سوال کردم. گفتند: این گیاه بنام رَزِگنه معروف است و در بهار گل زرد رنگ می‌دهد و در تابستان میوه‌های تقریباً قرمز رنگ می‌دهد و این گیاه را با چند گیاه دیگر مخلوط کرده بعد در یک ظرف بزرگ از آب جوشانده و چند تخم مرغ داخل آب انداخته سپس خانمی که زایمان کرده را در وسط این ظرف قرار داده تا بخورد دهند. زیرا خاصیت این کار برای سختی استخوان و نرم شدن بدن زائو می‌باشد.^۱

جناب آقای رحمان رجبی که خود از شرق‌شناسان تاجیکستان هستند، گفتند که: «در تاریخ ۱۹۹۶ میلادی هنگامی که برای مسافرت، در کشور ازبکستان از روستای قیلان به روستای کول که در گردنه غرابیل واقع است به همراه راهنمای خود بنام آقای مجید مجیدی میرزازاده که خود ساکن روستای قیلان است، حرکت می‌کردند.

آقای رجبی به طور ناگهانی گیاهی به چشمش خورده و از راهنمای خود سوال می‌کند که نام این گیاه چیست؟ در جواب شنیده که آن‌ها به آن گیاه می‌گویند هوم و خاصیت پزشکی دارد و در عطاری‌ها به فروش می‌رسد در ضمن از میوه آن مربا درست می‌کنند.

بدون آن که راهنما پیشینه تاریخی این گیاه را بداند هنوز با نام باستانی آن این گیاه را می‌شناسد.

در سفر خود در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۱۹ در شمال استان خراسان در شهرستان کلات در روستایی بنام قره‌سو در کوه‌های آن جا نیز گیاه هوم را مشاهده کرده و از پیرمردی که آن جا بود سوال کردم این گیاه چه نام دارد و از آن چه استفاده‌ای می‌کنید؟ گفت: نام این گیاه جَرَک Jarak است و برای رنگ کردن مشک از آن استفاده می‌شود.

در روستایی بنام چکنه در ۷۰ کیلومتری نیشابور مردم این روستا به گیاه هوم، «بورجاخ» می‌گویند بورجاخ و از آن برای رنگ کردن مشک و تهیه نوعی مواد نیروزا که برای سلامتی زیان‌آور است، استفاده می‌کنند.

شاید این که در بیشتر مناطق مختلف گیاه هوم را با نام‌های محلی گوناگون برای رنگ کردن مشک‌هایی که در آن‌ها ماست درست می‌کنند، ادامه همان راهی باشد که گذشتگان آن را با شیر مخلوط می‌کردند، حتی در ریگ و داهای هندوها (سوما) را با ماست مخلوط می‌کردند که در ستایش ایندرا (ماندالای ۱ سرود ۵) این چنین آمده است:
این شیره‌های سوما‌ی پاک و مخلوط با ماست برای خرسندی نوشنده نذر ریخته می‌شود.

در منطقه تاکستان و باغات انگور گیاه هوم با نام «سک‌انگورک» sak angorak معروف است و بنا به گفته افراد مسن خانواده طاهرخانی و رحمانی (که ۷۰ تا ۸۵ سال دارند) محل رویش این گیاه کنار جوی‌های آب و در دامنه کوه‌های اطراف تاکستان می‌روید و گیاهی است که دارای ریشه کم عمق و افشان است و هم اکنون کمتر از گذشته است چون اکثر باغات توسط تراکتور شخم زده می‌شوند. این گیاه دارای میوه قرمز رنگ کوچک است که مزه ترشی دارد و دارای خاصیت پزشکی می‌باشد و به عنوان ملین مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱

در روستای اسپاخو که در ۷۵ کیلومتر شهرستان جاجرم است (و تنها آثار پا بر جا مانده از دوران ساسانیان در شمال شرق ایران در آن جا باقی مانده است) و پوشش بسیار

۱ - با سپاس از سرکار خانم الهام طاهرخانی که این اطلاعات را در اختیار ما گذاشتند.

فراوانی از گیاه هوم دارد، در آن جا این گیاه را با نام «شیویشک» می‌شناسند و برای رنگ کردن مشک‌ها و خوراک گوسپندان از آن استفاده می‌کنند.

در ۶۸ کیلومتری شهرستان جاجرم روستایی قرار گرفته بنام «ناویا» و از مناطق گردنشین می‌باشد؛ بنا بر گفته آقای حسین قلی خسروی (۶۵ ساله)، نام کردی این گیاه را شیویشک šivišk و نام فارسی آن را «کوشکی» نام بردند. این گیاه را در آن جا برای رنگ کردن مشک‌ها و خوراک گوسپندان استفاده می‌کنند و پدر بزرگان‌شان می‌گفتند که این گیاه را آب جاودانگی به پایش ریختند که همیشه سبز است.^۱

بنابر گفته آقای میرالله نوری در شمال افغانستان، ولایت تخار، نیکی قلعه: از جوشانده ریشه این گیاه برای گرم‌زدگی استفاده می‌کنند که در آن جا به نام «بندک» از آن نام می‌برند.

همان طور که در این بخش مشاهده کردیم امروزه در بعضی از نقاط از این گیاه ماده نیروزایی درست می‌کنند که برای سلامتی زیان‌آور است.

از آن جایی که از هر چیزی می‌توان هم استفاده مثبت کرد و هم استفاده منفی کرد [که این خود در تمام امور چه سخن گفتن و چه علم و فلسفه و... صادق است]. به عنوان مثال از آتش هم می‌توان استفاده‌های مثبتی چون غذا پختن و گرم شدن و یا برای صنعت و... استفاده کرد و هم می‌توان از جنبه منفی آن استفاده کرد و شهر و کاشانه‌ها را ویرا کرد و آن را به آتش کشید. به گفته نظامی گنجوی:

گفت اگر خیر هست خیر اندیش تو شری جز شرت نیاید پیش

از این روی نیاکان‌مان برای خود دارای فلسفه‌ای گران‌بها بوده و بر این باور بودند که همه چیز را نباید به همه کس آموخت که باعث نابودی جهان هستی شود و تنها باید به اشخاص خاصی آموخت که در بند نهم «خردادیشت» ویژگی‌های چنین انسان‌هایی را این گونه بیان می‌کند:

ای زرتشت تو نباید این مانترا را بیاموزی جز به پدر یا پسر یا برادر تنی
یا به آترویان متعلق به درجه سه گانه کسی که به نیکی مشهور و پیرو آیین
نیک و بهدین و پارساست کسی که دلیرانه در همه جا آیین می‌گستراند.

۱ - با سپاس از آقای جلال خشنودی و مردم مهمان‌نواز روستای ناویا.

و یا به قول حافظ:

بیا تا در می صافیت راز دهر بنمایم

به شرط آن که نمایی به کج طبعان دل کورش

فرگرد ۱۸ بخش ۱ بند ۱۲ می گوید:

کسی که به انسان های ناپاک تبهکار شیره هوم بدهد انگار به شهرهای
مزدیسنا تاخته و مردم را از دم تیغ بگذراند.

نیاکان مان به این راز پی برده بودند که اگر به انسان های ناشایست علمی را آموزند
آن ها، آن را در جهت منفی به کار می برند.

همان طور که در پیش تر خواندید از گیاه هوم امروز مواد نیروزایی تهیه می کنند که
برای سلامتی زیان آور است و سودجویان برای منافع خود از آن استفاده می کنند و باعث
از بین رفتن سلامتی دیگران می شوند که این به نوبه خود یک نوع تبه کاری است و این
یک نمونه از آن است و این موضوع می تواند در هر چیزی صادق باشد زیرا که راستی
یک چهره دارد و دروغ هزاران هزار چهره دارد و حتماً تبه کار لازم نیست که بالشکر
خود شهرها را ویران سازد. کسی که وجودش از وهومن و آشا (قانون ابدی تغییر نیافتنی)
به دور است، نباید انتظار دیگری از وی داشت. به قول حکیم توس:

درختی که تلخست وی را سرشت	گرش در نشانی به باغ بهشت
ور از جوی خلدش به هنگام آب	به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سرانجام گوهر به کار آورد	همان میوه تلخ بار آورد
ز بدگوهران بد نباشد عجب	نشاید ستردن سیاهی ز شب
به ناپاک زاده مدارید امید	که زنگی بشستن نگردد سپید

در کتاب مینوی خرد در هنگامی که دانا نهمین سوال خود را از مینوی خرد می پرسد:
آیا بدکاران با اورمزد هیچ گونه آشتی و دوستی می توانند داشته باشند یا نه؟ جواب

این سوال در بند ۷ و ۸ مینوی خرد چنین آمده است:

و هر چیزی را می توان گردانید (= تغییر داد) به جز گوهر نیک و بد، گوهر
نیک را به هیچ وسیله ای به بدی و گوهر بدی را به هیچ طریقه به نیک
نمی توان برگردانید (تفضلی، ۱۳۷۹، ص ۳۳).

حکیم توس در شاهنامه (که داستان‌های ملی و مردمی ما را در بر می‌گیرد) در داستان به دنیا آمدن رستم از گیاهی نام می‌برد که بر ما شناخته شده نیست. در آن داستان با راهنمایی سیمرغ به زال، موبدان برای به دنیا آمدن رستم پهلوی رودابه را می‌شکافند و بعد از بدنی آمدن رستم پهلوی وی را می‌دوزند و گیاهی را که سیمرغ به زال می‌گوید با شیر و مشک مخلوط کرده و آن را در محلی که زخم است می‌مالند که رودابه بهبود پیدا کند.

اما نامی از آن گیاه در میان نیست، به نظر نگارنده شاید همان گیاه هوم در مان‌بخش باشد که سیمرغ دانا به زال می‌گوید و آن را طبق سنت با شیر مخلوط می‌کنند، سپس به کار می‌بندند.

وز آن پس بدوزد کجا کرد چاک
گیاهی که گویمت با شیر و مشک
بسای و ببالای بر خستگیش
در کتاب روایات داراب هرمزدیار شعری از شاپور بروجی در مورد گیاه هوم وجود دارد که خواندن آن خالی از لطف نیست.^۱

جوابش چنین داد مینو خرد
که اندر زره ورکش ایستد همان
همواره از نساها و از ریمنی
بونیشن آن خر همان جملها
شود سر به سر آب سر و پاک
دگر بشنو ای مرد پرهیزکار
به دریا زره ورکش اندر آن
بپاناهی‌اش آن اشو فروهران
نه نهصد و هم نود و نه هزار
بدانجای خر ماهی است ای بدان
از آن خر سه پا بشنو ای مرد رد
به پازند نامش تلاتا بخوان
ز دشتان و (هیهره) و مانند این
به زودی شود پاک و یوزد اثرا
چو باز آید از دوزخ تیره ناک
که آن هوم کورستا ویراستار
چو زو فورتم جای رستست آن
گماریده است آن خدای جهان
برو پاسابندشان استوار
که پیرامن هوم ورد دهمان

زبیمش خراستر گریزند سخت
 ز آواز او جمله درندگان
 زبانکش هما دام پروردگار
 دگر آن که دادار پروردگار
 که سیمرخ دارد برو برنشست
 همان که برویند تاکش هزار
 همان مرغ چمرش به نزدیک او
 همه تخم چیند نهد اندر آب
 که بستاند هروست ثم تشران
 از آن تخم ها گونه گون رنگرنگ

ز سهمش نیابند بیش درخت
 بلرزند یکسر چو شنوند آن
 چو شنودند باشندشان باردار
 درختی سرشتست دریا کنار
 به وقتی که برخیزد اوزان درخت
 ارش بشکندثوم فشانند به خاک
 نشیند بر آن درخت نکو
 اوا تشران ایزد سپارد شتاب
 بوارانش دارد به روی جهان
 درختان برویند بر خاک و سن

بخش چهارم

● ترجمه متن های اوستایی

برگرفته از یسنا، یشتها، ویسپرد و خرده اوستای

زنده یاد پورداوود

در این بخش تمام بندهایی که هوم در آن‌ها نام برده شده است را آورده‌ایم. هات نهم تا هات یازدهم مربوط به هوم است و در گذشته احتمالاً جزو پشت‌ها بوده که بعدها در یسنا قرار گرفته است.

یسنا- هات نهم

بند ۱

در هاون‌گاه (بامدادان) هوم برآمد به زرتشت که پیرامون آتش پاک می‌کرد و گات‌ها می‌سراید از او پرسید زرتشت: ای مرد که هستی تو که مرا در سراسر خاکی جهان نیکوترین به دیدار می‌آیی، با جان درخشان و بی‌مرگ خویش.

بند ۲

آن‌گاه به من پاسخ گفت این هوم پاک دور دارنده‌ی مرگ: من ای زرتشت، هوم پاک، دور دارنده‌ی مرگ هستم آن من بخواه (از آن مرد بجوی)، ای سپنتمان، مرا از برای اشامیدن آماده‌ساز؛ بستای مرا به ستایش، آن‌چنان که مرا پس از این سوشیانت‌ها خواهند ستائید.

بند ۳

بدو گفت زرتشت: نماز (درود) به هوم - که ترا نخستین بار، ای هوم، در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، کدام پاداش به او داده شد، چه نیک‌بختی به او رسید؟

بند ۴

آنگاه به من پاسخ گفت این هوم پاک، دور دارنده‌ی مرگ: ویونگهان مرا نخستین بار در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت؛ این پاداش به او داده شد، این نیک‌بختی به او

رسید که او را پسری زائیده شد، آن جمشید دارنده رمه خوب، خرمندترین در میان مردمان زائیده شده و خورشیدسان نگران، کسی که در شهریاری خود جانور و مردم را نمردنی ساخت، آب و گیاه رانخشکیدنی، خوردنی را خورش نکاستنی.

بند ۵

در (هنگام) شهریاری جم دلیر نه سرما بود نه گرما، نه پیری بود نه مرگ، نه رشک دیو آفریده، پدر و پسر، هریک از آنان، به صورت ظاهر پانزده ساله می‌گردیدند در مدتی که جم دارنده رمه خوب، پسر و یونگهان شهر یاری می‌کرد.

بند ۶

که تو را دیگر بار، ای هوم، در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، کدام پاداش به او داده شد، چه نیک بختی به او رسید؟

بند ۷

آنگاه به من پاسخ گفت این هوم پاک دور دارندهی مرگ: آبتین مرا دوم بار در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت؛ این پاداش به او داده شد، این نیک بختی به او رسید که او را پسری زائیده شد، فریدون، از خاندان توانا.

بند ۸

کسی که زد (کشت) ازدهاک سه پوزه، سه کله، شش چشم هزار چستی دارنده؛ دیو دروغ بسیار زورمند، آسیب جهان و خبیث (دروند)، آن بسیار زورمندترین دروغی که اهریمن ساخت بر ضد خاکی جهان از برای مرگ جهان راستی.

بند ۹

که تو را سومین بار، ای هوم، در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت و کدام پاداش به او داده شد، چه نیک بختی به او رسید؟

بند ۱۰

آنگاه به من پاسخ گفت این هوم پاک، دور دارندهی مرگ: اترط، سود خواستارترین سام سوم بار مرا در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت؛ این پاداش به او داده شد، این نیک بختی به او رسید که او را دو پسر زائیده شدند، ارواخشیه و گرشاسب؛ آن اولی یک داور و قانون آرا؛ آن دیگری یک زبردست، جوان گیسوگرز ور.

بند ۱۱

کسی که زد (کشت) اثری شاخدار را که اسبها فرو می برد (می او بارید = می بلعید)، مردها فرو می برد، آن زهرآلود زرد رنگ، از او زهر زردوش به بلندی یک نیزه روان بود که بر او گرشاسپ در (دیک) آهنین در زمان نیمروز خوراک می پخت و این زیانکار را گرم شد و عرق (خوی) ریخت ناگهان او از زیر (دیک) آهنین فراز آمد، آب جوشان را به پراکند، و گرشاسب مردمنش ترسان به کنار تاخت.

بند ۱۲

که تو را چهارمین بار، ای هوم، در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، کدام پاداش به او داده شد، چه نیک بختی به او رسید؟

بند ۱۳

آنگاه به من پاسخ گفت این هوم پاک، دور دارندهی مرگ: پوروشسپ مرا چهارم بار در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت؛ این پاداش به او داده شد، این نیک بختی به او رسید که تواز برای او زائیده شدی، تو ای زرتشت پاک از خاندان پوروشسپ، ضد دیوها، و اهورا کیش.

بند ۱۴

ای نامور در آریاویج تو ای زرتشت، نخستین بار اهون وئیره چهار بار با مراعات درنگ به سرودی نیمه‌ی دومی را به سرایشی بلندتر.

بند ۱۵

تو در زمین پنهان کردی همه‌ی دیوها را، ای زرتشت، که پیش از آن به صورت مردان به روی این زمین می گشتند، (تو ای) کسی که زورمندترین، کسی که دلیرترین، کسی که تخشاترین، کسی که تندترین و کسی که پیروزترین شدی در میان آفریدگان مینویان.

بند ۱۶

آنگاه گفت زرتشت: نماز (درود) به هوم، به هوم نیک، به هوم خوب آفریده شده، راست آفریده شده، نیک درمان دهنده خوب اندام، خوب کنش پیروزگر، زردگون نرم تاک، (شاخه) چون خورندش بهترین و از برای روان راه جوی ترین (است).

بند ۱۷

فرود (به اینجا) خوانم ای (هوم) زرین نشاهی تو را، اینجا جرأت، اینجا پیروزی، اینجا درستی، اینجا درمان، اینجا افزایش، این جا بالندگی، اینجا زور همه‌ی تن، اینجا فرزاندگی از هرگونه (انواع علوم)

فرود (به اینجا) از این رو (خواستارم) تا در جهان (مانند) شهریار کامروا در آیم، در هم شکننده ستیزه، شکست دهنده دروغ (باشم).

بند ۱۸

فرود از این رو (خواستارم) تا اینکه ستیزه (دشمنی و بدخواهی و کینه) همه‌ی بدخواهان را در هم شکنم (چه) از دیوان و مردمان، (چه) از جاودان و پریان، ستمگاران، کوی‌ها و کرپان‌ها، زیانکاران دو پا و گمراه کنندگان (اشموغان) دو پا و گرگان چهارپا و لشگر دشمن فراخ که به فریب هجوم آورد.

بند ۱۹

این نخستین بخشایش را از تو، ای هوم دور دارنده‌ی مرگ خواهش می‌کنم: بهترین زندگی (بهشت) پاکان، (آن بهشت) روشن و همه (گونه) خواری (آسایش) بخشنده این دومین بخشایش را از تو، ای هوم دور دارنده‌ی مرگ خواهش می‌کنم: درستی از برای این تن، این سومین بخشایش را از تو، ای هوم دور دارنده مرگ خواهش می‌کنم: زندگی بلند جان.

بند ۲۰

این چهارمین بخشایش را از تو، ای هوم دور دارنده مرگ خواهش می‌کنم که من کامروا با جرأت و خُرسند به روی زمین در آیم، در هم شکننده‌ی ستیزه، شکست‌دهنده دروغ (باشم) این پنجمین بخشایش را از تو، ای هوم دور دارنده‌ی مرگ خواهش می‌کنم که من پیروزمند و در جنگ شکست دهنده بر روی زمین در آیم، در هم شکننده ستیزه، شکست دهنده دروغ (باشم).

بند ۲۱

این ششمین بخشایش را از تو، ای هوم دارنده مرگ خواهش می‌کنم: که ما نخست از دزد، نخست از راهزن، نخست از گرگ بوی بریم که هیچ‌کس پیش از ما بوی نبرد که ما همیشه از پیش بوی بریم.

بند ۲۲

هوم به آن دلیرانی که در پیکار اسب تازند زور و نیرو بخشد، هوم به زاینندگان (به زنان زاینده) پسران نامور و فرزندان پارسا دهد، هوم به آنانی که به میل در آموزش نسک نشینند تقدس و فرزاندگی بخشد.

بند ۲۳

هوم به آن کنیزانی (دخترانی) که دیرزمانی شوهر نگرفته نشستند یک شوهر پیمان شناس بخشد به محض اینکه خواهش شود (از آن) خردمند.

بند ۲۴

هوم (بود) آن که کرسی را از شهریاری برانداخت، کسی که از حرص سلطنت خود می‌نالید و می‌گفت از این پس اتریان در مملکت من از برای منتشر کردن آئین نگردد، آن‌که همه‌ی ترقی را در هم شکند، همه ترقی را بمیراند.

بند ۲۵

خوشا به تو ای اهوم که از نیروی خویش شهریار کامروا هستی
خوشا به تو که بسیار سخنان راست گفته دانی
خوشا به تو که از پرسیدن سخنان راست گفته شده بی‌نیازی

بند ۲۶

از برای تو فراز آورد مزدا نخست کمر بند (کشتی) ستاره نشان مینوی ساخته شده دین نیک مزدیسنی را این چنین کمر به میان بسته همیشه هستی در سر کوه پناه و نگه دار گفتار ایزدی (منتر)

بند ۲۷

ای هوم، (تو ای) بزرگ خان و مان، بزرگ ده، بزرگ شهر، بزرگ مملکت، ای در تقدس دانشمندار، نیروی و پیروزی تو را از برای تنم همی خوانم و گشایش بسیار رهانند.

بند ۲۸

برهان از ماکین کینور را، بگردان منش خشمگین را و ازهر مردی که در این خانه، که در این ده، که در این شهر، که در این مملکت گناه ورزد بر گیر از پاهایش زور، هوشش تیره ساز منشش در همشکن (پریشان ساز)

بند ۲۹

با دو پا فرانتواناد رفتن، با دست کاری نتواناد ساختن، با چشمان زمین میناد، با چشمان جانور میناد. آن که به منش ما کین ورزد، آن که به پیکر ما کین ورزد.

بند ۳۰

بر ضد آژی زرد سهمگین زهر آلود که پیکر پارسا نابود می کند، ای هوم زرین، سلاح بر زن.

بر ضد راهزن نابکار خونخوار آزار رساننده که پیکر پارسا نابود می کند، ای هوم زرین، سلاح بر زن.

بند ۳۱

بر ضد کله مردم دروغپرست ستمکار که سر برافرازد (مغرور)، که پیکر پارسا نابود می کند، ای هوم زرین، سلاح بر زن، بر ضد گمراه کننده (اشموغ) ناپاک تباه کننده ی زندگی که گفتار این دین به یاد دارد (اما) در کردار نیاورد، که پیکر پارسا نابود می کند، ای هوم زرین، سلاح بر زن.

بند ۳۲

بر ضد زن بد عمل (جهیکا) جادوگر شهوت انگیز پناه دهنده (گناهکاران) که منش وی متزلزل است مانند ابری که از باد در جنبش باشد، که پیکر پارسا نابود می کند، ای هوم زرین، سلاح بر زن.

بر ضد هر آن کسی که پیکر پارسا نابود می کند، ای هوم زرین، سلاح بر زن.

یسنا - هات دهم

بند ۱

دور روند از این جا، دور دیوها، دور ماده دیوها سروش نیک پایا ماند، ارت نیک این جا بسر برد، ارت نیک آرام گزیند این جا در این خان و مانی که از آن اهورا که از آن هوم راستی پرور (است)

بند ۲

پیشین قسمت هاون تو را که شاخه ی (هوم) در هم گیرد با باژ می ستایم ای خردمند،

زبرین قسمت هاون تو را که اندر آن (شاخه‌ی هوم) با زور مردانه فرو کوبم، با باژ می‌ستایم ای خردمند.

بند ۳

ستایم ابرها و باران را که پیکر تو را به بالاند بر فراز کوه، ستایم آن قله‌ی کوهی که تو در آنجا بروئیدی ای هوم.

بند ۴

ستایم زمین فراخ پهن کار فرمایِ بخشایشگر در بردارنده‌ی تو را، ای هوم پاک؛ ستایم سرزمینی را که تو از آنجا به سان یل (گیاه‌های) خوشبو و گیاه خوب مزدا می‌روی، ای هوم، بروی بر زیر کوه و نموکن در همه جا به درستی تویی سرچشمه‌ی راستی.

بند ۵

به بال (راسپی) از نماز (باژ) من: در سراسر ریشه‌ها و در سراسر ساقه‌ها و در سراسر شاخه‌ها.

بند ۶

(زوت) هوم بر فرزاید (اگر) بستایندش و همچنین مردی که او را بستاید پیروزگر بود نیز کمترین فشرده‌ی هوم، نیز کمترین ستایش هوم، نیز کمترین خورش هوم بس است از برای کشتن هزار دیو.

بند ۷

نابود شود به زودی هر آن آلودگی که به وجود آمده باشد، از آن خانه‌ای که در آنجا آورند و در آنجا بسرایند درمان پدیدار (آشکار = واضع) هوم را درستی و چاره بخشی (آن را) (از برای خانواده و دودمانش).

بند ۸

آری همه می‌های دیگر را خشم خونین سلاح در پی است. اما آن می هوم را رامش راستی همراه است. مستی هوم سبک سازد هر آن مردمی که هوم را چون پسر (فرزند) خردسالی نوازش کند. هوم خود را از برای آنان آماده ساخته به تن‌شان درمان بخشد.

بند ۹

ای هوم مرا از آن درمان‌هایی ده که تو از آن‌ها درمان سازی؛ ای هوم مرا از آن

پیروزهایی ده که تو از آن‌ها دشمن را شکست دهی. خواستارم که دوست و ستایشگر تو باشم یک دوست ستایشگر را دادار اهورا مزدا بهتر خواند چنان‌که اردیبهشت را.

بند ۱۰

تو را، ای دلیر آفریده‌ی دادار: بگ صنعتگری ساخت تو را، ای دلیر آفریده‌ی دادار، بگ صنعت‌گری بر البرز فرونشاند.

بند ۱۱

پس آنگاه تو را مرغ مقدس و آزموده‌ی به جهات مختلف پیرا کند: در (میان) تیغ‌های (کوه) اُوپائیری ستن، به سره‌ی (کوه) ستروسار، به تهیگاه؟ کوسرویت، به پرتگاه ویش پث و به کوه سپیت گون.

بند ۱۲

از این پس در این کوه‌ها، پُرشیر، گوناگون و زردرنگ می‌روی تو ای هوم، در مان‌های تو با خوشی و هومن پیوسته است.
اینک برگردان از من منش (سوء قصد) بدگوی را، اینک آن منش را نابود (ساز) آن منش بدگویی که بر ضد من است.

بند ۱۳

نماز به هوم که منش درویش را چون آن توانگرِ بزرگ کند.
نماز به هوم که منش درویش را آن چنان بزرگ کند که او به آرزوی خود رسیده باشد
تو از نران (مردان = دلیران) بسیار برخوردار کنی و مقدس‌تر و دانشمندتر (سازی) آن کسی که به درستی از تو ای هوم زرین آمیخته بشیر، بخشی یابد.

بند ۱۴

نباید از برای من آنانی که از آن (هوم) نوشیدند به دلخواه خود مانند گاو درفش در جنبش باشند باید آنانی که از تو نشانه یابند زنده دل پیش روند و ورزیده (کارپرداز) به در آیند. به تو ای هوم راست و راستی پرور دهم (تقدیم کنم) این تن را که مرا خوب رسته می‌نماید.

بند ۱۵

بهلم کم و کاستی زن نابکار کوه خرد را که به فریفتن آتربان و هوم اندیشد (اما) خود

او فریفته شده یک سره نابود شود، کسی که بر آن شده سور هوم را خود بخورد (هوم) به او پسران اتریان ندهد و نه پسران خوب.

بند ۱۶

از برای پنج (چیز) هستم، از برای پنج (چیز) نیستم:
 از برای پندار نیک هستم، از برای پندار زشت نیستم.
 از برای گفتار نیک هستم، از برای گفتار زشت نیستم.
 از برای کردار نیک هستم، از برای کردار زشت نیستم.
 از برای فرمانبرداری هستم، از برای نافرمانی نیستم.
 از برای راستی هستم، از برای دروغ نیستم.
 این چنین تا (بروز) واپسین) که در میان دو گوهر فتح قطعی بود.

بند ۱۷

آنگاه گفت زرتشت: نماز (درود) به هوم مزدا داده، نیک (است) هوم مزدا داده، نماز (درود) به هوم همه‌ی هوم‌ها را می‌ستایم چه آن‌که بر زبرکوه‌ها و چه آن‌که در دره‌ی رودها (می‌روید)، هم چنین آن‌که در تنگنا دارند و در بند زنان هستند از تشت سیمین (تو) را) به (تشت) زرین ریزم تو را به زمین نیفکنم زیرا که رایومند (شکونده) و ارجمندی.

بند ۱۸

این است سرودهای تو ای هوم، این است ستایش‌های (تو) این است درود (تو) این است گفتار راست که درستی آورد و پیروزی دهد، در مقابل دشمن چاره و درمان بخشد.

بند ۱۹

این‌ها (هستند) از برای تو (اما) از برای من: چالاک فرا رسد نشانه‌ی تو؛ روشن فرا رسد نشانه‌ی تو؛ سبک دراید نشاه‌ی تو
 آن پیروزگر را بستایند همراه با این گفتار سرودنی

بند ۲۰

درود به چارپایان، سخن خوش از برای چارپایان، پیروزی از برای چارپایان، خوراک از برای چارپایان، چراگاه از برای چارپایان، کشت و ورز از برای چارپایان، که از برای خورش ما پیورود.

بند ۲۱

هوم زرین بزرگ را می ستاییم، هوم... جهان افزا را می ستاییم، هوم دور دارنده ی مرگ
را می ستاییم، همه ی هوم ها را می ستاییم.
اینک پاداش و فرّوهر زرتشت سپیتمان پاک را می ستاییم.
«ینگه هاتم»

یسنا - هات یازدهم

بند ۱

به درستی سه پاکان نفرین خوانند: گاو و اسب و هوم
گاو به زوت نفرین کند: بکند که بی فرزند شوی و به بدنامی دچار گردی تو ای کسی که
مرا وقتی که پخته هستم (بارزانیان) بخش نه نمایی بلکه از برای پروراندن زن خود یا
پسر (اولاد) خود یا شکم خویش به کار می بری.

بند ۲

اسب به سوار نفرین کند: بکند که تو اسبان نتوانی بستن، نه بر اسبان نشستن، نه به
اسبان لگام زدن تو ای کسی که آرزو نه نمایی از برای (نشان دادن) زورم در بسا از انجمن
گروه مردان در کشت زار.

بند ۳

هوم به خورنده نفرین کند: بکند که بی فرزند شوی و به بدنامی دچار گردی تو ای کی
که مرا وقتی که در هم فشرده شده ام نگاه می داری چون دزد محکوم به مرگ به هیچ وجه
نیستم محکوم به مرگ منی که هوم پاک دور دارنده ی مرگ (هستم).

بند ۴

از برای من هوم، پدر پاک آهورامزدا از قربانی دو آرواره با زبان و چشم چپ ارزانی
داشت.

بند ۵

کسی که از این قربانی من بُر باید یا بدزدد یا بردارد آن چه را که آهورامزدا ی پاک به
من داد: دو آرواره با زبان و چشم چپ.

بند ۶

اندر خانه‌اش زاییده نشود آتربان، نه رزمی و نه برزیگر بلکه اندر خانه‌اش زاییده شوند دهک‌ها و مورک‌ها و روشن‌های گوناگون.

بند ۷

زود از برای هوم دلیر آن گوشت سور را به بُر تا این که تو را هوم به بند نه نماید چنان که به بند بست افراسیاب زینکارِ تورانی را که در میان ثلث زمین در میان دیوار آهین احاطه شده بود.

بند ۸

آن گاه گفت زرتشت: نماز (درود) به هوم مزدا داده، نیک (است) هوم مزدا داده نماز (درود) به هوم.

بند ۹

(راسپی) آن چه از مایک، از ما دو برابر، سه برابر، چهار برابر، پنج برابر، شش برابر، هفت برابر، هشت برابر، نه برابر، ده برابر آن از شما آید.

بند ۱۰

(زوت) به تو ای هوم راست و راستی پرور دهم (تقدیم کنم) این تن را که مرا خوب رسته می‌نماید به هوم تُخشا (از برای رسیدن) به نشاهی به نیکی، به پاکی بده به من تو ای هوم پاک دور دارنده‌ی مرگ بهترین زندگی (بهشت) پاکان و روشنایی همه‌گونه رفاهیت بخشنده.

بند ۱۱

راستی بهترین نیکی است (و هم مایه‌ی) سعادت است، سعادت از برای کسی است که راست (و خواستار) بهترین راستی است.

بند ۱۲

بشود به کام و به خواهش (خود)، تو ای آهورامزدا، به آفریدگان خود شهریاری کنی، با اراده‌ی (به خواهش) خود به آب‌ها، به خواهش خود به گیاه‌ها، به خواهش خود به همه‌ی بهان راست‌نژاد به راست شهریاری (توانایی) دهید و به دروغ ناتوانایی.

بند ۱۳

کامروا باد راست، ناکام باد دروغ، سپری شده، برانداخته شده، زدوده شده از آفرینش
خرد مقدس (سپندمینو)، برده و ناکام (باد)

بند ۱۴

برانگیزانم من زرتشت، اینک سران خان و مان‌ها و ده‌ها و شهرها و ممالک را که به
حسب دین اهورایی زرتشتی بیندیشند و سخن گویند و رفتار کنند.

بند ۱۵

(راسپی) فراخی و خواری (سهولت، رفاهیت) آرزومندم از برای سراسر آفرینش
راست، تنگی و دشواری آرزومندم از برای سراسر آفرینش ناپاک (دروغ).

بند ۱۶

من اقرار دارم که مزدپرست زرتشتی، دشمن دیوها (و) اهورایی کیشم به هاوَنی پاک
(و) رَدِ پاکی ستایش و نیایش و خوشنودی و آفرین؛ به ساونگهی و به ویسیه پاک (و) رَدِ
پاکی ستایش و نیایش و خوشنودی و آفرین؛ به رَدانِ روز و گاه‌ها و ماه و گهنبارها و سال
ستایش و نیایش و خوشنودی و آفرین

بند ۱۷

(زوت و راسپی) «فرستویه» فراز ستایم پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک را، آن
چه را که در اندیشیدن و گفتن و کردن است من می‌پذیرم همه‌ی پندار نیک و گفتار نیک
و کردار نیک را. من فروگذارم همه‌ی پندار زشت و گفتار زشت و کردار زشت را.

بند ۱۸

فراز آورم به سوی شما، ای آمشائسپندان ستایش و نیایش (خود را) با پندار، با گفتار، با
کردار با جان «نیز با زندگی تن خود»

بند ۱۹

من نماز (آشا) راستی می‌گزارم: راستی بهترین نیکی است. (و هم مایه‌ی) سعادت است،
سعادت از برای کسی است که راست (و خواستار) بهترین راستی است.

یسنا، هات ۳ بند ۲

هوم و پراهوم را خواستار ستائیدم از برای خوشنود ساختن فرَوهر زرتشت سپنمان

پاک. هیزم و بوی را (بخور را) را خواستار ستائیدم از برای خوشنود ساختن تو ای آذر
پسر اهورا مزدا.

یسنا، هات ۳ بند ۳

هوم و پراهوم را خواستار ستائیدم: از برای خوشنود ساختن فرَوهر زرتشت سپنتمان
پاک، ایزد به نام خوانده شده؛ هیزم و بوی را (بخور را) خواستار ستائیدم: از برای
خوشنود ساختن تو ای آذر پسر اهورامزدا، ایزد به نام خوانده شده خورش میزد را
خواستار ستائیدم... (دو بار)

یسنا، هات ۳ بند ۲۱

هوم و پراهوم را خواستار ستائیدم: از برای خوشنود ساختن فرَوهر زرتشت سپنتمان
پاک، ایزد به نام خوانده شده؛ هیزم و بوی را (بخور را) خواستار ستائیدم: از برای
خوشنود ساختن تو ای آذر پسر اهورامزدا، ایزد به نام خوانده شده خورش میزد را
خواستار ستائیدم...

یسنا، هات ۴ بند ۱

این پندارهای نیک و گفتارهای نیک و کردارهای نیک (زوت) این هوم‌ها و میزدها
و زورها و برسم از روی راستی گسترده شده و گوشت خوشی دهنده؛ خرداد و امرداد و
شیر خوشی دهنده و هوم و پراهوم؛ هیزم و بوی (بخور)؛ این بهره از زندگی (دیگر سرا) و
پاکی و نماز رد پسند ردان و سرودگان‌ها و فرمان (ایزدی) نیک به جای آورده شده
(همه‌ی این‌ها را) تقدیم می‌کنیم و نذر می‌کنیم.

یسنا، هات ۴ بند ۳

اینک آن‌ها را چنین نذر می‌کنیم، این پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک؛ این
هوم‌ها و میزدها و زورها و برسم از روی راستی گسترده شده و گوشت خوشی دهنده؛
خرداد (و) امرداد و شیر خوشی دهنده؛ هوم و پراهوم و هیزم و بوی (بخور)؛ این بهره از
زندگی (دیگر سرا) و پاکی و نماز رد پسند ردان و سرودگاتها و فرمان (ایزدی) نیک به
جای آورده شده (همه‌ی این‌ها را) تقدیم می‌کنیم و نذر می‌دهم.

یسنا، هات ۶ بند ۱۸

هوم و پراهوم را می‌ستاییم؛ پاداش و فرَوهر زرتشت سپنتمان پاک را می‌ستاییم؛ هیزم

و بوی را (بخور را) می ستاییم؛ تو را ای آذر پسر آهورامزدا، پاک و ردِ پاکی می ستاییم.

یسنا، هات ۷ بند ۲

از روی راستی می دهم هوم و پَراهوم از برای خوشنود ساختن فرَوهر زرتشت سپنتمان پاک؛ از روی راستی می دهم هیزم و بوی (بخور) از برای خوشنود ساختن آذر پسر آهورامزدا.

یسنا، هات ۷ بند ۳

از روی راستی می دهم هوم از برای خوشنود ساختن آب های نیک و آب های نیک مزدا داده؛ از روی راستی می دهم آب هوم، از روی راستی می دهم شیر روان، از روی راستی می دهم گیاه هَذَا نَبْتَا که از روی راستی گذاشته شده: از برای خوشنود ساختن آب های مزدا داده.

یسنا، هات ۷ بند ۲۱

از روی راستی می دهم هوم و پَراهوم؛ از برای خوشنود ساختن فرَوهر زرتشت سپنتمان پاک، ایزد به نام خوانده شده؛ از روی راستی می دهم هیزم و بوی (بخور) از برای خوشنود ساختن تو ای آذر پسر آهورامزدا، ایزد به نام خوانده شده.

یسنا، هات ۷ بند ۲۶

آهُونَ وِئیریه را می ستاییم، سخن درست گفته شده را می ستاییم، آفرین نیک پارسا را می ستاییم، داموئیش او پمن ایزد چیر دلیر را می ستاییم، خرداد و امرداد را می ستاییم، شیر خوشی دهنده را می ستاییم، هوم و پَراهوم را می ستاییم، هیزم و بوی را (بخور را) می ستاییم از برای آفرین خوانی به آفرین نیک پارسا.

یسنا، هات ۸ بند ۱

از روی راستی می دهم خورش میزد، خُرداد و امرداد و شیر خوشی دهنده، و هوم و پَراهوم، هیزم و بوی (بخور) از برای آفرین خوانی آهورامزدا، آهُونَ وِئیریه، سخن درست گفته شده، آفرین نیک پارسا و داموئیش او پمن چیر، هوم و مَنَتش و زرتشت پاک از روی راستی به سوی ما آید.

یسنا، هات ۸ بند ۹

به خوشنودی هوم راستی پرور ستاییدن و نیایش کردن و خوشنود ساختن و

آفرین خواندن.

یسنا، هات ۲۲ بند ۱

اینک برسم نهاده شده با زور، از برای دادار آهورامزدا ی رایومند خرمند (رو) آمشاسپندان این هوم از روی راستی گذاشته شده را خواستار ستائیدم و این شیر روان از روی راستی گذاشته شده را خواستار ستائیدم و این گیاه هذائپتا از روی راستی گذاشته شده را خواستار ستائیدم.

یسنا، هات ۲۲ بند ۲

با آب‌های نیک این زورهای آمیخته به هوم، به شیر، آمیخته هذائپتا از روی راستی گذاشته شده را خواستار ستائیدم و با آب‌های نیک آب هوم را خواستار ستائیدم و هاون سنگین را خواستار ستائیدم و هاون آهنین را خواستار ستائیدم.

یسنا، هات ۲۲ بند ۲۰

(زوت و راسپی) این هوم از روی راستی گذاشته شده را خواستار ستائیدم و این شیر روان از روی راستی گذاشته شده را خواستار ستائیدم و این گیاه هذائپتا از روی راستی گذاشته شده را خواستار ستائیدم.

یسنا، هات ۲۲ بند ۲۱

با آب‌های نیک این زورهای آمیخته به هوم، آمیخته به شیر، آمیخته به هذائپتا از روی راستی گذاشته شده را خواستار ستائیدم و با آب‌های نیک آب هوم را خواستار ستائیدم و هاون سنگین را خواستار ستائیدم و هاون آهنین را خواستار ستائیدم.

یسنا، هات ۲۲ بند ۲۷

همه ی ایزدان پاک مینوی (و) جهانی؛ فرَوهرهای نیرومند بسیار پیروزگر پاک‌دینان؛ فرَوهرهای نخستین آموزگاران کیش (پوریوتکیشان)؛ فرَوهرهای نیاکان (نبازدیشان) (و) هریک از ایزد به نام یاد شده این هوم از روی راستی گذاشته شده را خواستار ستائیدم...

یسنا، هات ۲۴ بند ۱

(زوت و راسپی) به اهورا مزدا هوم‌ها را نذر می‌کنیم؛ این هوم‌ها و میزدها و زورها و این برسم از روی راستی گسترده شده و گوشت خوشی‌دهنده و این شیر روان از روی راستی گذاشته شده و این گیاه هذائپتا از روی راستی گذاشته شده؛

یسنا، هات ۲۴ بند ۲

با آب های نیک، این زورهای آمیخته به هوم، آمیخته به شیر، آمیخته به هذائپتا، از روی راستی گذاشته شده با آب های نیک، و آب هوم و هاون سنگین و هاون آهنین.

یسنا، هات ۲۵ بند ۱

(زوت و راسپی) آمشائپندان شهریاران نیک خوب کنش را می ستاییم. این هوم از روی راستی گذاشته شده را می ستاییم و این شیر روان از روی راستی گذاشته شده را می ستاییم و این گیاه هذائپتا از روی راستی گذاشته شده را می ستاییم.

یسنا، هات ۲۵ بند ۲

با آب های نیک، این زورهای آمیخته به هوم، آمیخته به شیر، آمیخته به هذائپتا، از روی راستی گذاشته شده را می ستاییم؛ و با آب های نیک، آب هوم را می ستاییم؛ هاون سنگین را می ستاییم و هاون آهنین را می ستاییم.

یسنا، هات ۲۷ بند ۶

هوم های مزدا قدرت، رَدان پاکی، پالائیده (تصفیه شده) سروش نیک آن که با آرت گنجور همراه است، می باید در این جا هماره کوشا باشد.

یسنا، هات ۴۲ بند ۵

هوم زَرین بُرزمند را می ستاییم. هوم گیتی افزا را می ستاییم. هوم دور دارنده مرگ را می ستاییم.

یسنا، هات ۵۷ بند ۱۹

سروش پاک خوب بالای پیروزمند گیتی افزای پاک ورد پاکی را می ستاییم کسی را که هوم... درمان بخش، شهریار زیبای زرین چشم (زرد دیدگان) بر زبر بلندترین سره کوه هرا بستود.

یسنا، هات ۶۶ بند ۱

از روی راستی می دهم این زور آمیخته به هوم، آمیخته به شیر، آمیخته به هذائپتا، از روی راستی گذاشته شده را از برای تو (ای آب) اهورایی اهورا، از برای خشنودی اهورامزدا، آمشائپندان، سروش پاک، آذر اهورامزدا، رَد بزرگوار راستی.

یسنا، هات ۶۶ بند ۱۷

(زوت و راسپی) از روی راستی می‌دهم این زور آمیخته به هوم، آمیخته به شیر، آمیخته به هَدَانْتِپتا، از روی راستی گذاشته شده را از برای تو (ای آب) اهورایی اهورا. از برای خشنود ساختن اهورا مزدای رایومند خَرُهمند، امشاسپندان، مهر دارنده دشت‌های فراخ و رام چراگاه خوب بخشنده.

یسنا، هات ۶۶ بند ۱

اینک این را از برای تو به جای می‌آوریم، ای (آب) اهورایی اهورا از برای این که از تو روی برتافته تو را آزرديم. باشد که این زور آمیخته به هوم، (و) شیر (و) هَدَانْتِپتا پذیرفته شود، ای (آب) اهورایی اهورا.

یشت‌ها - هفتین یشت بزرگ**هفتین یشت بزرگ - کرده ۸ بند ۵**

به هوم زرین رنگ و بلند روئیده درود می‌فرستیم به هوم جان‌افزا و آشامیدنی درود می‌فرستیم. به هوم دور دارنده مرگ درود می‌فرستیم.

آردیبهشت یشت - بند ۱۸

برای فرّ و فروغش من او را اردیبهشت را زیباترین امشاسپند را با نماز بلند (و) با زور می‌ستاییم. اردیبهشت زیباترین امشاسپند را با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با پندار و گفتار و کردار نیک با زور و با کلام بلیغ می‌ستاییم.

خردادیشت - بند ۱۰

برای فروغ و فرّش من او را امشاسپند خرداد را با نماز بلند (و) به زور می‌ستاییم. ما می‌ستاییم امشاسپند خرداد را با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با پندار و گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ.

آبان یشت - کرده ۱ بند ۸

که مرا نیایش خواهد نمود؟ که زور آمیخته به هوم آمیخته به شیر که از روی دستور مقرر تهیه و تصفیه شده باشد، نیاز خواهد نمود؟ به چنین کسی که نسبت به من وفادار و مخلص است من خوشی پسندم که (او) خرم و شاد (ماناد)

آبان یشت - کرده ۱ بند ۹

برای فروغ و قرش من او را با نماز بلند می ستایم من او را با نماز نیک به جای آورده (و) با زور می ستایم آن اردویسورناهد مقدس را بشود تو این چنین از پی استغاثه (ما) به فریاد رسی. ای اردویسورناهد! این چنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با پندار و گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ. ینگه هاتام...

اهورامزدا در میان موجودات از زنان و مردان می شناسد آن کسی را که برای ستایشش به او به توسط آشا بهترین پاداش بخشیده خواهد شد این مردان و این زنان را ما می ستایم

آبان یشت - کرده ۲ بند ۱۱

کسی که در سر گردونه نشسته لگام گردونه گرفته (می راند) در این گردونه روان در طلب ناموری این چنین در ضمیر خویش اندیشه کنان که مرا نیایش خواهد نمود؟ که زور آمیخته به هوم...

آبان یشت - کرده ۵ بند ۱۷

او را بستود آفریدگار اهورامزدا در آریاویچ در کنار (رود) ونگوهی دائیتیا با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با اندیشه و گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ و از او این کامیابی را درخواست.

آبان یشت - کرده ۱۶ بند ۶۳

ای اردویسورناهد زود به یاری من بشتاب مرا اینک پناه ده اگر من زنده به زمین اهورا آفریده و به خانه خویش رسم هر آینه من از برای تو در کنار آب رنگها هزار زور از روی دستور تهیه شده و تصفیه گردیده آمیخته به هوم، آمیخته به شیر نیاز خواهم آورد.

آبان یشت - کرده ۲۴ بند ۱۰۴

او را بستود زرتشت پاک در آریاویچ در کنار (رود) ونگوهی دائیتیا با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با پندار و گفتار و کردار نیک با زور و با کلام بلیغ

آبان یشت - کرده ۲۶ بند ۱۱۳

و از او درخواست این کامیانی رابه من بخش ای نیک، ای تواناترین، ای اردویسورناهد که من به دیوسنا هوم پیک (کسی که) با چنگ گشوده در هشت خانه

(فضا) بسر می برد ظفر یابم و به ارجاسب دروغ پرست در (میدان) جنگ گیتی

آبان یشت - کرد ۲۹ بند ۱۲۴

که مرا نیایش خواهد نمود؟ که زور آمیخته به هوم آمیخته به شیر که از روی دستور مقرر تهیه و تصفیه شده باشد، نیاز خواهد نمود؟ به چنین کسی که نسبت به من وفادار و مخلص است من خوشی پسندم که (او) خرم و شاد (ماناد)

خورشید یشت - بند ۶

برای فروغ و قرش من او را می ستایم با نماز بلند با زور آن خورشید جاودانی باشکوه تند اسب را ما می ستاییم با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با پندار و گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ ینگه هانام...

ماه یشت - بند ۶

برای فروغ و قرش من او را با نماز بلند و با زور می ستایم. ماه حامل نژاد ستوران ماه پاک (آشو) حامل نژاد ستوران (و) سرور پاکی را ما می ستاییم. با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با پندار و گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ.

تیر یشت - کرد ۱ بند ۳

برای فروغ و قرش من را می ستایم. با نماز بلند و با زور (آن) ستاره تشر را تشر ستاره رایومند را می ستاییم با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با پندار و گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ.

تیر یشت - کرد ۶ بند ۱۵

کسی که در این جا در انجمن سخن گوید. کسی که در این جا پیرسد که مرا اکنون با زور آمیخته به شیر به هوم می ستاید؟

به که باید من ثروتی از پسران و گروهی از پسران و کمال از برای روان بدهم؟ اکنون من در جهان مادی سزاوار ستایش و برازنده نیایشم بر طبق بهترین راستی.

تیر یشت - کرد ۶ بند ۱۷

کسی که در این جا در انجمن سخن گوید کسی که در این جا پیرسد که مرا اکنون با زور آمیخته به شیر آمیخته به هوم می ستاید؟

به که باید من ثروتی از گاو (ستوران) و گله ای از گاو و کمال از برای روان بدهم؟

اکنون من در جهان مادی سزاوار ستایش و برازنده‌ی نیایشم بر طبق بهترین راستی.

تیرِ یشت - کورده ۶ بند ۱۹

کسی که در این جا در انجمن سخن گوید کسی که در این جا بپرسد که مرا اکنون با زور
آمیخته به شیر آمیخته به هوم می‌ستاید؟

به که باید من ثروتی از اسب‌ها و خیلی از اسب‌ها و کمال از برای روان بدهم؟
اکنون من در جهان مادی سزاوار ستایش و برازنده‌ی نیایشم بر طبق بهترین راستی.

تیرِ یشت - کورده ۶ بند ۳۳

و پس از آن مه‌های پاک ابر تشکیل دهنده به جنبش درآید باد جنوب وزیده (آن‌ها
را) به طرف پیش به راهی راند که از آن جا هوم مفرح را به سوی کشت‌زار و منزل‌گاهان
و هفت کشور رساند.

گوش یشت / درواسپ یشت - کورده ۱ بند ۶

برای فروغ و قَرَش من او را با نماز بلند می‌ستایم. من او را با نماز نیک به جای آورده
(و) با زور می‌ستایم. آن درواسپ توانای مزدا آفریده مقدس را درواسپ توانای مزدا
آفریده مقدس را ما می‌ستاییم با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خَرَد با اندیشه و
گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ ینگه‌ها تام... اهورامزدا در میان موجودات از زنان و
مردان می‌شناسد آن کسی را که برای ستایشش به او به توسط آشا بهترین پاداش بخشیده
خواهد شد این مردان و این زنان را ما می‌ستاییم.

گوش یشت / درواسپ یشت - کورده ۶ بند ۲۵

او را بستود زرتشت پاک در آریاویچ در کنار (رود) ونگوهی دائیتیا با هوم آمیخته به
شیر با برسم با زبان خرد با اندیشه و گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ و از او این
کامیابی را درخواست.

سروش یشت هادخت - کورده ۸ بند ۱۸

سروش پارسای خوش اندام پیروزمند جهان آرای مقدس و سرور راستی را می‌ستاییم
کسی که از برای او هوم مفرح درمان‌بخش و سرور زیبا با چشم‌های زردرنگ در بالای
بلندترین قلّه کوه هربرز فدیّه آورد.

بهرام یشت - کرده ۱ بند ۵

برای فروغ و فرّش من او را با ستایش بلند می ستاییم آن بهرام مزدا آفریده را با زور بهرام آفریده را می ستاییم. بر طبق نخستین آیین اهورا با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد و کلام مقدس با و گفتار و کردار با زور و با کلام راستین.

بهرام یشت - کرده ۱۸ بند ۵۷

بهرام اهورا آفریده را می ستاییم هوم از زوال رهاکننده را در بر می گیریم؛ هوم پیروزمند را در بر می گیریم؛ نگهبان خوب را در بر می گیریم؛ نگهدار تن را در بر می گیریم؛ کسی که یک هوم با خود نگهدارد در جنگ از اسارت - دشمن - برهد.

رام یشت - کرده ۱ بند ۵

اندروای پاک را ما می ستاییم؛ اندروای زبردست را ما می ستاییم؛ آن چه از توای اندروای که از خرد مقدس است ما می ستاییم. برای فروغ و فرّش من او را با نماز بلند می ستایم آن اندروای نیرومند زبردست را، اندروای زیر دست را ما می ستاییم با هوم آمیخته به شیر با برسم با کلام مقدس و با گفتار و کردار و زور و با کلام راستین.

دین یشت - کرده ۱ بند ۴

برای فروغ و فرّش من او را با ستایش بلند می ستاییم او را با ستایش خوب به جای آورده شده با زور می ستاییم. آن راست ترین علم مزدا آفریده مقدس را ما می ستاییم با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با پندار و گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ.

ارت یشت - کرده ۱ بند ۳

برای فروغ و فرّش من او را با ستایش بلند می ستاییم او را با ستایش خوب به جای آورده شده با زور می ستاییم. آن آرت نیک را ارت را ما می ستاییم با هوم آمیخته به شیر با برسم با زبان خرد با پندار و گفتار و کردار با زور و با کلام بلیغ.

ارت یشت - کرده ۲ بند ۵

درود به هوم، به کلام مقدس (منترا)، به زرتشت پاک حقیقه درود به هوم زیرا که همه می ها را خشم خونین سلاح (گرز) خونین آزنده همراه است اما می هوم را خود راستی در پی است.

ارت یشت - کرده ۶ بند ۳۷

او را بستود هوم... درمان بخش شهریار زیبای زرد دیدگان در بلندترین قله کوه هرا.

ارت یشت - کرده ۶ بند ۳۹

بشتافت و فرارسید: ارت نیک بزرگوار هوم... درمان بخش شهریار زیبای زرد دیدگان
این توفیق را یافت...

اشتاد یشت - بند ۸

(نماز) آهون وئیریه را ما می ستاییم. اردیبهشت زیباترین امشاسپندان را ما می ستاییم.
گفتارِ راست گفته شده پیرومندِ درمان بخش را ما می ستاییم. گفتارِ درمان بخشِ راست
گفته شده پیرومند را ما می ستاییم. کلام مقدس دین مزدیسنايِ خواستارِ هوم را ما
می ستاییم. فرّ ایرانی را ما می ستاییم.

زامیاد یشت (کیان یشت) - کرده ۶ بند ۱۳

برای شکوه و فرّش من او را با ستایش بلند می ستایم. آن فرّ کیانی نیرومندِ مزدا آفریده
را با آبِ زور؛ فرّ کیانی نیرومندِ مزدا آفریده را ما می ستاییم؛ با هوم آمیخته به شیر با
برسم با زبانِ خرد با کلام مقدس با گفتار و کردار با آبِ زور و کلام مقدس.

ویسپرد

کرده ۹ بند ۱

هوم های فراهم شده، (آن چه) فراهم شده (و آن چه) فراهم خواهد شد. پیروزمندان
آزارشکنان که از درمان آشی برخوردارند، از درمان چستی برخوردارند، از درمان مزدا
برخوردارند، از درمان زرتشت برخوردارند، از درمان زرتشتوم برخوردارند.

کرده ۹ بند ۳

نوید می دهیم و آگاه می سازیم و در هم می فشیریم و پیش می آوریم و (...) و می ستاییم
و از بر می خوانیم که هوم های توانای پاک، بی آلیش هستند، از روی راستی فراهم شده
(و) از روی راستی فراهم خواهند شد، از روی راستی (از آن ها) آگاهی داده شده (و) از
روی راستی آگاهی داده خواهند شد، از روی راستی فشرده شده (و) از روی راستی (...) ؟

کرده ۱۱ بند ۱

به اهورامزدا این هوم را پیشکش کنیم، آن (هوم) فراهم شده را به تواناترین پیروزمند گیتی پرور، به شهریاران نیک پاک. به امشاسپندان هوم را پیشکش کنیم، به آب‌های نیک هوم را پیشکش کنیم، به روان خویش هوم را پیشکش کنیم، به همه آفرینش پاک هوم را پیشکش کنیم.

کرده ۱۱ بند ۳

این پیکر و این توش (توان)، این زورهای به کار افتاده، این هوم پاک و چارپای (گاو) خوب‌گنش و مرد پاک، منش‌های کارگر پاک‌دینان و منش‌های کارگر سوشیانت‌ها، و این شیر روان از روی راستی گذاشته شده و این گیاه هَدَانْتِپَتَا(ی) از روی راستی گذاشته شده.

کرده ۱۲ بند ۱

به کسی که هوم پالاییده از برای رَد بزرگوار اهورامزدای پاک و زرتشت سپیتمان، دارایی چارپایان بسیار و مردان (رسد) سروش نیک (آن که با ارت گنجور همراه است) می‌باید در اینجا کوشا باشد.

کرده ۱۲ بند ۳

و سخن راست گفته شده و سرودهای زرتشتی و کردارهای نیک کرده شده و برَسَم‌های از روی راستی گسترده شده و هوم از روی راستی در هم فشرده شده و ستوت یسنیه و دین مزدیسنا با اندیشه و گفتار کردار.

خرده‌اوستا

خورشیدنمایش بند ۱۶

«آه‌رَیه» از برای شکوه (فروغ) و فَرَش من او را با ستایش بلند با (آب) زُور می‌ستایم آن خورشید بی‌مرگ شکوهندی تیزاسب را می‌ستایم. با هوم آمیخته به شیر با برَسَم و با زبان خَرَد و با پندار و گفتار و کردار با (آب) زُور و با کلام راست گفته شده.

مهرنمایش بند ۱۵

آن ایزد زورمند توانا و در میان آفرینش‌های تواناترین را آن مهر را با (آب) زُور می‌ستایم. من خواستارم که با عشق و درود به سوی او گرایم و او را با ستایش بلند و با

(آب) زور بستایم و آن مهر دارنده دشت‌های فراخ را؛ ما مهر دارنده دشت‌های فراخ را می‌ستاییم با هوم آمیخته به شیر و با برسَم و با زبان خَرَد و با پندار و گفتار و کردار و با (آب) زور و با کلام راست گفته شده.

ماه‌نیایش بند ۸

«آهه‌ریه» از برای شکوه و فرَش من او را با ستایش بلند با (آب) زور می‌ستایم آن ماه در بردارنده تخمه گاو را ماه تخمه گاو در بردارنده پاک (و) سرور پاکی را ما می‌ستاییم با هوم آمیخته به شیر و با برسَم و با زبان خَرَد با پندار و گفتار و کردار و با (آب) زور و با کلام راست گفته شده.

آتش بهرام‌نیایش بند ۷

ستایش و نیایش و نذر خوب و نذر آرزو شده (دلخواه) و نذر از روی خلوص آرزومندم از برای تو ای آذر پسر اهورامزدا؛ تویی برازنده ستایش (و) برازنده نیایش؛ بشود که تو به ستایش برازنده (و) به نیایش برازنده شوی. در این خان و مان خوشا به آن مردی که تو را از روی راستی بستاید با هیزم در دست، برسَم در دست، شیر در دست و هاون در دست.

سی‌روزه کوچک بند ۳۰

(روز) انیران جاودانی و گرزمان روشن (عرش) و جایگاه هم‌ستگان جاودانی چینود پل مزدا داده، سرور بزرگوار آپم‌نپات و آب مزدا داده، هوم پاک سرشت، دهمان آفرین نیک و داموئیش اُوپمن زورمند همه ایزدان پاک مینوی (و) جهانی و فروهرهای نیرومند بسیار پیروزگر پاک‌دینان و فروهرهای نخستین آموزگاران کیش (پوریوتکیشان) و فروهرهای نیاکان (نبازدیشتان) و ایزدان به نام یاد شده.

سی‌روزه بزرگ بند ۳۰

ایزدان جاودانی را می‌ستاییم و گرزمان روشن را می‌ستاییم، جایگاه هم‌ستگان جاودانی را می‌ستاییم، پل چینوت مزدا داده پاک را می‌ستاییم، سرور بزرگوار شهریار شیدور آپم‌نپات تیزاسب را می‌ستاییم و آب مزدا داده پاک را می‌ستاییم و هوم زرین بلند را می‌ستاییم هوم... گیتی‌افزا را می‌ستاییم و همه ایزدان پاک جهانی را می‌ستاییم.

آفرینگان ریتون بند ۵

آن کسی که از برای (خشنودی) رَدِ ریتون به رَدِ ریتون درود همی خواند، به رَدِ ریتون نذر آورد با دست‌های شسته، با هاوَنِ شسته با بَرَسَمِ گسترده، با هوم گذاشته شده، با آتش افروخته، با آهونَ وِئیریه سروده شده، در (هنگامی که) زبان از (فشرده) هوم تر شده (و) تن به کلام مقدس پیوسته است.

آفرینگان ریتون بند ۷

این بند همانند بند پنجم آفرینگانِ ریتون است.

سرچشمه‌ها

- ۱ - آذرگشسب، فیروز، ۱۳۵۱، گات‌ها سرودهای زرتشت، ج ۱، فرَوَهر
- ۲ - _____، ۱۳۸۱، گات‌ها سرودهای زرتشت، ج ۲، فرَوَهر
- ۳ - آشتیانی، جلال‌الدین، ۱۳۸۱، زرتشت، مزدیسنا، حکومت، شرکت سهامی انتشار
- ۴ - آموزگار، زاله، ۱۳۸۱، تاریخ اساطیری ایران، سمت.
- ۵ - اشیدری، جهانگیر، ۱۳۸۶، دانشنامه مزدیسنا، چاپ چهارم، نشر مرکز.
- ۶ - بهار، مهرداد، ۱۳۸۰، بندهش، توس
- ۷ - _____، ۱۳۷۸، پژوهش در اساطیر ایران، آگاه
- ۸ - پورداوود، ابراهیم، ۱۳۲۶، فرهنگ ایران‌باستان، اساطیر
- ۹ - _____، ۱۳۷۷، یشت‌ها ج ۱ و ۲، اساطیر
- ۱۰ - _____، ۱۳۷۸، گات‌ها، اساطیر
- ۱۱ - _____، ۱۳۸۰، خرده‌اوسته، اساطیر
- ۱۲ - _____، ۱۳۸۰، یسنه، اساطیر
- ۱۳ - _____، ۱۳۸۱، وِسپرد، اساطیر
- ۱۴ - _____، ۱۳۸۱، یادداشت‌های گات‌ها، اساطیر
- ۱۵ - پویان، محسن، ۱۳۶۸، گیاهان دارویی جنوب خراسان، دانش مشهد
- ۱۶ - راشد محصل، محمد تقی (مترجم)، گزیده‌های زاد اسپرم، پژوهشگاه علوم انسانی
- ۱۷ - _____، ۱۳۶۴، دستور زبان اوستایی، کاریان
- ۱۸ - رضی، هاشم، ۱۳۵۸، نیایش‌ها، فرَوَهر
- ۱۹ - رلف، نارمن شارپ، ۱۳۸۲، فرمان شاهنشاهان هخامنشی، پایزینه
- ۲۰ - سد درنتر، ۱۳۲۷، چاپ راستی
- ۲۱ - شاهنامه، ۱۳۵۵، به تصحیح محمد رضائی، کلاله‌خاور
- ۲۲ - فره‌وشی، بهرام، ۱۳۷۸، یاد یار مهربان، به کوشش هما گرامی، فرَوَهر

- ۲۳ - عفیفی، رحیم، ۱۳۷۴، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، توس
- ۲۴ - کمال، حمیرا، ۱۳۸۳، بررسی آثار تاریخی و هنر اوز، نوید شیراز
- ۲۵ - کتابیون مزداپور، ۱۳۶۹، شایست ناشایست، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۲۶ - مصطفوی، علی اصغر، ۱۳۶۱، سوشیانت یاسیر اندیشه‌های ایرانیان، چاپخانه ندا.
- ۲۷ - میرفخرایی، مهشید، ۱۳۶۷، روایت پهلوی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۲۸ - موله، م. ۱۳۷۷، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، توس
- ۲۹ - میرحیدر، حسین، ۱۳۶۴، معارف دارویی، مروارید
- ۳۰ - مانک رستم اون والا، ۱۹۹۲، روایت داراب هرمزدار، بمبئی
- ۳۱ - مهرگان سیاوخش، ۱۲۹۱ یزدگردی، آیین دین زرتشتی
- ۳۲ - وحیدی، حسین، ۱۳۸۰، گاتها سرودهای مینوی زرتشت، امیرکبیر
- ۳۳ - هینلز ۱۳۷۹، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی، چشمه
- ۳۴ - هفت پیکر نظامی گنجوی، ۱۳۸۰، دانشگاه تهران
- ۳۵ - معین، محمد، ۱۳۸۸، مزدیسنا و ادب پارسی، دانشگاه تهران
- ۳۶ - هدایت، صادق، ۱۳۱۲، زند و هومن یسن، جاویدان
- ۳۷ - تفضلی، احمد، ۱۳۷۹، مینوی خرد، توس
- ۳۸ - جعفری، علی اکبر، ۱۳۵۹، ستوت یسن، فرّوهر
- ۳۹ - _____، ۱۳۶۱، پیام زرتشت، فرّوهر
- ۴۰ - جلالی نائینی، محمدرضا، ۱۳۴۸، ترجمه گزیده سرودهای ریگ و داه، چاپخانه تابان، کتاب‌های
سیمرغ
- ۴۱ - خضری، شهاب، ۱۳۸۲، خواص میوه‌ها و سبزیجات
- ۴۲ - خنجری، خداداد، ۱۳۸۰، بینش زرتشت، رامین.
- ۴۳ - دوستخواه، جلیل، ۱۳۶۴، اوسته، مروارید
- ۴۴ - دیوان حافظ، ساحل
- عکس‌های طبیعت از کوروش قاسمیان

نمایه

	آمبروزیا، ۲۸	آ.....
اسپاخو، ۵۸	آیین میترائیسیم، ۲۵	آبان یشت، ۱۹
اسکوپولامین، ۴۷	الف	آب تقدیس، ۲۲
آشا، ۶۰، ۷۶	آئوش، ۳۷	آبتین، ۱۶، ۱۷
آشاوهیشتا، ۱۸	اپائیری سنن، ۱۴	آبِرت، ۲۴
اشتادیشت، ۸۶	آپمَنیات، ۸۸	آب زئوثره، ۲۱
اشموغان، ۶۸	آپوش، ۱۹	آتربان، ۷۵، ۷۲
آشیم وهو، ۲۰	اثقیان، ۱۶	آتروخش، ۲۳
آشو زرتشت، ۴۱	آرت، ۱۸	آتش بهرام نیایش، ۸۸
اغریرت، ۳۴	آرت یشت، ۱۵	آتشدان، ۲۴
افخارستیاه، ۲۵	آرت یشت، ۴۰	آتشکده، ۲۰
افدرا، ۳۱، ۴۵	ارت یشت، ۸۵	آتش مقدس، ۱۳
افدرین، ۴۶	آردویسور آناهیتا، ۱۹	آدرنالین، ۴۶
افراسیاب، ۳۴	اردویسیور آناهیتا، ۳۲	آذریان، ۲۰
افغانستان، ۵۱، ۵۶	آرمک، ۴۵	آذر، ۲۳
امشاسپندان، ۱۸	ارمنستان، ۵۱	آذروار، ۵۴
آمشاسپندان، ۷۶	أرواخشیه، ۱۷، ۶۶	آریاوویج، ۶۷
آن آئوش، ۳۷	ازبکستان، ۵۱، ۵۷	آزادوار، ۵۴
انوشیروان، ۳۷	آزیزن گاه، ۲۲	آشن تر، ۲۴
اؤز، ۵۷	آژدهاک سه پوزه، ۱۷	آفرینگان، ۲۴
اوستا، ۴۵	آژدهاکش، ۱۷	آفرینگان ریبتون، ۸۹
اوستایی، ۲۰	ازی شاخدار، ۶۷	آلکالوئید، ۴۶
اوسیج ها، ۴۱		آلوزین، ۲۸
اهوراکیش، ۱۸، ۶۷		

خورشیدبشت، ۱۹	ت	آهورامزدا، ۷۸
خیم، ۴۵	تاجیکستان، ۵۱، ۵۷	اهون وئیریه، ۶۷
..... ۵	تاکستان، ۵۸	آهون وئیریه، ۷۸
دُوش، ۳۶	تفحة المؤمنین، ۵۲	ایندرا، ۳۰
دُوش، ۳۶	تورات، ۳۳	پ
درئوشم، ۴۰	تورانی، ۳۴	بئود، ۳۰
درخت قوم بنی اسرائیل، ۳۳	توهو، ۳۳	بدخشان، ۵۶
در مهر، ۲۰	تیریشیت، ۱۹	بذخ، ۴۵
درواسپ، ۳۴	تیریشیت، ۸۳	بیرسم، ۱۹، ۲۲، ۲۴
درواسپبشت، ۳۳	تیشتر، ۳۵	بیرسمن، ۲۴
درون، ۲۵	ث	برهمنان، ۲۸
درون یشت، ۲۵	ثریته، ۱۷	بندک، ۵۹
دریای فراخکرت، ۱۵	ج / ج / ج	بندھش، ۱۴
دین، ۱۸	جاجرم، ۵۸	بندھش، ۳۲
دین یشت، ۸۵	جَزک، ۵۸	بورجاخ، ۵۸
ر / ز	جم، ۶۶	بوی، ۳۰
رئویش کز، ۲۴	جمشید، ۶۶	بهرامبشت، ۳۱
راسپی، ۲۰، ۷۶	جوین، ۵۴	بهرام یشت، ۸۵
رام، ۱۸	چنجست، ۳۴	پ
رام یشت، ۸۵	چکنه، ۵۸	پارسیان، ۲۰
رپیتون، ۸۹	چلیپاسه، ۱۷	پراهوم، ۱۹، ۳۰
روایت داراب هرمزديار، ۳۲	خردادبشت، ۵۹	پرویزن، ۲۵
روحانی متخصص، ۲۰	خُرده اوستا، ۱۳	پریان، ۶۸
رود اردویسور آناهیتا، ۱۵	خرده اوستا، ۳۴	پزودوافدرین، ۴۶
ریش بز، ۴۵	خرفستر، ۳۲	پوروشسپ، ۱۶
ریگودا، ۱۳، ۵۳	خروه، ۱۶	پوروشسپ، ۱۸، ۶۷
زئوتز، ۲۲	خُم، ۴۵	پوریوتکیشان، ۷۹
زامیادبشت (کیان یشت)، ۸۶	خورشیدنیایش، ۸۷	پهلوی، ۱۳، ۲۰

..... ک	شایست ناشایست، ۳۵	زرتشت، ۱۶، ۶۵
کتاب پهلوی صدر در نثر، ۳۰	شراب، ۲۵	زَژگنه، ۵۷
کرپان‌ها، ۶۸	شربت هوم، ۲۵	زند وهومن یسن، ۳۲
کرپن‌ها، ۳۸، ۴۱	شیویشک، ۵۹	زوت، ۲۰
کِرِ ساسپه، ۱۷		زور ۸
کژدم، ۱۷ ط / ع	
کلات، ۵۸	طاس روزین، ۲۵ س
کُنْدِر، ۲۱	علی‌جونک، ۴۵	سام، ۱۷
کوسویت، ۱۴	عمادلو، ۴۵	سپنتمان، ۶۵
کوشک، ۵۵		سپندمینو، ۷۶
کوشکی، ۵۹ ف	سپیت‌گون، ۱۴
کول، ۵۷	فدیه، ۱۳	سپنتمان، ۲۷
کوه هرئیتی، ۱۵	فراخکرت، ۳۲	ستروسار، ۱۴
کوی‌ها، ۳۸، ۶۸	فراخکرد، ۳۲	سزَوشاؤرز، ۲۴
کیخسرو، ۳۴	فُزِرِ تَر، ۲۳	سروش‌یشت، ۱۵
	فَرَش، ۸۱	سیریت (ثریته)، ۱۶
..... گ	فرشکرد انوشکی، ۳۲	سک‌انگورک، ۵۸
گنوش‌یشت، ۳۳، ۳۴	فروغ، ۸۱	سنتار، ۳۳
گاتها، ۳۶	فزوهر، ۱۸، ۷۶، ۷۷	سنسکریت، ۱۳
گاهان، ۳۶	فزه، ۱۶	سوری، ۲۷
گرزور، ۱۷	فریدون، ۶۶	سوما، ۱۴، ۵۳
گرسیوز، ۳۴	فیض‌آباد، ۵۶	سوما پوما، ۵۴
گرشاسب، ۶۶، ۶۷		سومه، ۸
گرشاسب، ۱۶، ۱۷، ۶۷ ق	سیاووش، ۳۴
گرشاسب، ۱۷	قاطر قویز وخی، ۴۵	سی‌روزه بزرگ، ۸۸
گرهم، ۳۸	قره‌سو، ۵۸	سی‌روزه کوچک، ۳۴، ۸۸
گرِهما، ۲۸	قره‌قیز، ۳۳	سیمرغ، ۵۶
گزیده‌های زاداسپر، ۳۲	قویروخ، ۴۵	
گوش، ۱۸	قیلان، ۵۷ ش
گوش‌یشت / درواسپ‌یشت، ۸۴		شاهنامه، ۶۱

هربرز، ۱۵	و.....	گوکرن، ۳۲
هرزویل، ۴۵	ودا، ۱۴	گوکرن، ۳۲
هرمز دشت، ۳۲	ودایی، ۵۳، ۴۵	
هفتن یشت بزرگ، ۵۲	ورکش، ۳۲	م.....
هفتن یشت کوچک، ۳۲	ورکش، ۳۲	مازخ، ۵۶
هکر، ۱۵	ولایت تخار، ۵۹	ماندالا، ۵۴، ۱۴
هوم، ۷، ۲۲	وندیداد، ۱۳	ماهرو، ۲۱
هوم المجوس، ۵۳	وهومن، ۶۰	ماهروی، ۲۵
هوم نخشا، ۷۵	ویسپرد، ۱۳، ۷	ماه نیایش، ۸۸
هوم سپید، ۱۵، ۳۲	ویسپویش، ۳۲	ماه یشت، ۱۹
	ویشیت، ۱۴	متابولیسیم، ۴۸
	ویشتاسپ یشت، ۲۲	مقدس، ۱۴
ی.....	ویونگهان، ۶۶، ۶۵	مکان مقدس، ۲۰
یتا آهو، ۲۰		منترا، ۴۰
یتا آهو و تیریو، ۳۰		مورمون، ۴۷
یزشن، ۲۷	ه.....	مهر نیایش، ۸۷
یزشنه، ۲۲	هتورتات، ۱۸	مهر یشت، ۱۵
یسنا، ۱۳	هتوم، ۳۶	مهر یشت، ۲۶
یشت ها، ۱۳	هتومه، ۸	میراث مقدس، ۹
یعقوب لیث صفار، ۸	هادخت یشت، ۱۵	مینو، ۳۰
ینگه هاتام، ۱۹	هاون، ۱۶	مینوی خزد، ۳۰
ینگه هاتام، ۲۰	هاون گاه، ۲۲، ۳۶، ۶۵	
یوتا، ۴۷	هاوتن، ۲۲	
	هخامنشی، ۸	ن.....
	هذائمتتا، ۱۹	نان درون، ۲۵
	هذائتپدا، ۲۲	ناویا، ۵۹
	هرتیتی، ۱۵	نیکی قلعه، ۵۹
	هرا، ۳۴	



هوم بر فراز کوهها





هوم سبز که در اوستا به نام هوم سیمین یاد شده است





میوه هوم





هوم زرین





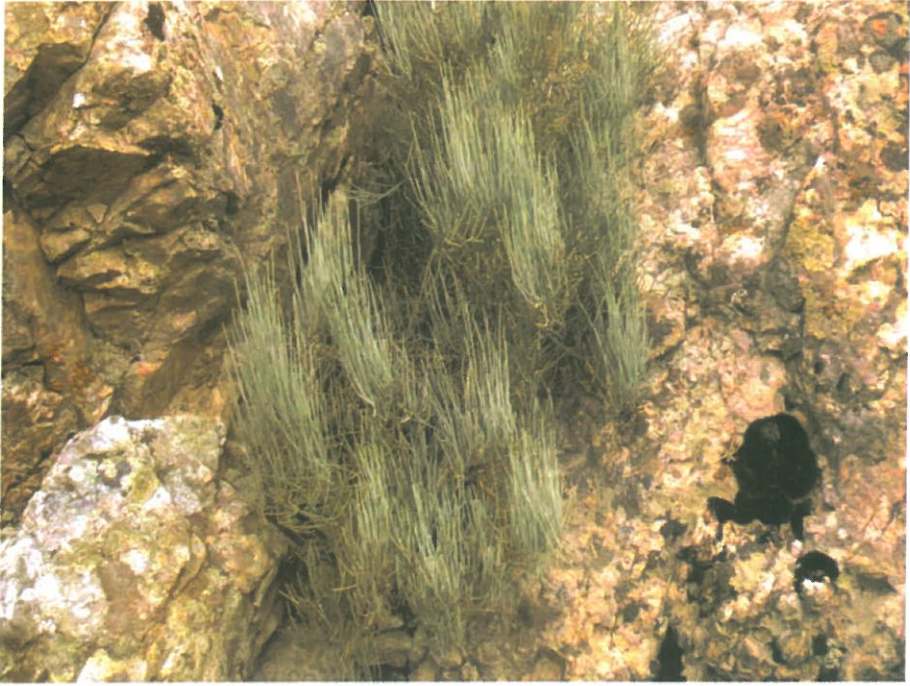
هوم بر فراز کوهها





میوه هوم





گیاه هوم



هوم روییده در دره‌ها

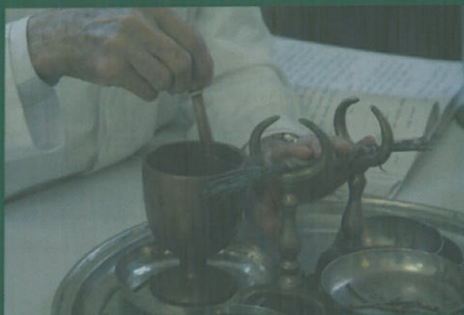
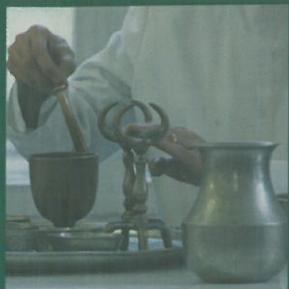


گل گیاه هوم



هوم بر فراز کوه‌ها





موسسه فرهنگی اتشاراتي فروهر
تهران - خیابان انقلاب فلسطین جنوبی شماره ۲۶۱
کد پستی ۱۳۱۵۷۷۳۱۱۵ تلفن: ۶۶۴۶۲۷۰۴

ارزش: ۷۰۰۰ تومان

ISBN: 9789646320734



9 789646 320734